



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جهانی و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)

محمد شریفی نیا

مقدمه

موضوع جوان، تعلیم و تربیت و استخراج دیدگاه امام (علیه السلام) در مورد آن، واجد پیچیدگی‌های چندگانه‌ای است. از سویی تعلیم و تربیت با ابعاد مختلف و متنوع آن وجود دارد، و از سوی دیگر، پرداختن به جوان و دوره جوانی که دوره التهاب، هیجان، شور و نشاط، امید و آرزو و توانایی‌های بسیار است، امر سهلی نیست و بالاخره کشف زوایای وجودی و دریافت اندیشه سترگ امام (علیه السلام)، مستلزم شناخت همه جانبه آن شخصیت بزرگ است - که این خود نیازمند احاطه بر تمامی گفتارها و سیره و رویه‌های علمی آن مری عالی قدر در موقعیت‌های تربیتی است که امری بس دشوار است. اما از باب وظیفه و ادای دین به آن بزرگ مرد قرن معاصر، می‌کوشیم، نتیجه مطالعه و بررسی دیدگاه‌ها و بعضاً واریسی سیره عملی آن حضرت در موضوع جوان و تعلیم و تربیت را به صورت خلاصه ارائه نمایم.

اصولاً تبیین هر دیدگاه تربیتی و از جمله دیدگاه تربیتی امام (علیه السلام) در مورد جوانان، زمانی میسر است که تصور روشنی از چارچوب و ارکان نظام تعلیم و تربیت اسلامی، مشتمل بر مبانی، اصول، اهداف، روش‌ها و دستورالعمل‌ها داشته باشیم و پیش از هر چیزی، در مورد مسائلی از قبیل: ماهیت هستی، جایگاه انسان در جهان، وجود یا فقدان هدف برای عالم هستی، قبول یا رد قدرت، حاکمیت و تدبیر فائقه الهی بر مجموعه عالم امکان و اینکه در تحلیل نهایی، جنبه تعیین کننده و مهم انسان، بعد مادی یا معنوی اوست، به نتیجه برسیم.

جستجوی نوع پاسخ امام (علیه السلام) به مسائل بالا، ما را به کیفیت اتخاذ اصول، اهداف، روش‌ها و فنون تربیتی مورد نظر ایشان رهنمون می‌سازد. بنابراین، برای تبیین تعلیم و تربیت از دیدگاه امام (علیه السلام)، باید به اندیشه‌ها و آرای تربیتی، با توجه به اصول فکری و اعتقادی ایشان پرداخت.

بدیهی است نظرگاه تربیتی امام (علیه السلام) مبتنی بر اندیشه‌های قرآنی و آموزه‌های اسلامی است که ماهیت جهان را الهی و دارای مبدأ و مقصود خدایی اعلام می‌کند و حقیقت انسان را معنوی و هدف وی را نیل به قرب الهی از طریق تزکیه نفس می‌داند. حضرت امام (علیه السلام) اساس اهداف بنیادین انبیا را تربیت انسان از راه تهذیب و تزکیه نفس می‌داند و آن را مقدم بر تعلیم می‌شمارد. ایشان سعادت انسان را جز در پرتو اعتقاد به خدا و تربیت الهی مبتنی بر تهذیب نفس، ممکن نمی‌داند و معتقد است هرگونه تلاشی خارج از این منظومه، گره مشکلات واقعی و معضلات اساسی بشر و جامعه امروز را نخواهد گشود و از کشمکش‌ها و آلام بشریت نخواهد کاست.

موضوع این نوشتار، تعلیم و تربیت انسان در دوره حساس و سرنوشت ساز جوانی از دیدگاه امام خمینی (علیه السلام) است. برای تبیین این موضوع، ابتدا به بیان کم و کیف این دوره مهم زندگی از جهات مختلف: اهمیت، ویژگی‌ها، نیازها، امکانات و قابلیت‌ها جوانان، وظایف متقابل آنان و جامعه و نیز بررسی عوامل تأثیرگذار بر تربیت جوانان و در پایان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مباحث می‌پردازیم.

دوره جوانی

آغاز دوره جوانی، مرحله پایان دوره نوجوانی است. دوره جوانی به سه مرحله: آغازین (نوجوانی)، میانی و پایانی تقسیم می‌شود. دانشمندان در مورد سن شروع دوره جوانی و پایان آن اتفاق نظر ندارند، اما غالباً شروع آن را یازده سالگی و پایان آن را بیست و پنج سالگی ذکر کرده‌اند.

این دوره سنی، دوره‌ای مهم و تعیین‌کننده است، طوری در صورت تربیت صحیح افراد در این دوره، آن‌ها در مسیر سعادت قرار می‌گیرند و با تربیت نادرست در این دوره، به ورطه انحطاط کشانده می‌شوند و گاه ممکن است برای همیشه از دست بروند. والدین و مربیان باید با شناخت ویژگی‌ها، نیازها، گرایش‌ها و احساسات نوجوان و جوانان در مواجهه با مشکلات، به صورت علمی و منطقی اقدام به یاری آن‌ها نمایند و از انجام اقدامات و اخذ تصمیمات نسنجیده خودداری کنند. در نوشتار حاضر هرچا از کلمه جوان استفاده کردیم، منظور دوره نوجوانی تا پایان دوره جوانی و شروع دوره میانسالی خواهد بود.

اهمیت جوانان

کشور ما به عنوان یکی از جوان‌ترین کشورهای جهان شناخته می‌شود که قشر وسیعی از آن را جوانان تشکیل می‌دهند. اگر برنامه ریزی و تمهیدات لازم برای باروری، شکوفایی و جهت‌دهی استعدادهای جوان و بهره‌گیری درست از آن‌ها انجام شود، می‌توان از آن به مثابه بزرگ‌ترین سرمایه و انرژی بالقوه برای پیشرفت و توسعه کشور استفاده کرد و اگر بایستی توجهی و عدم

برنامه ریزی صحیح و به موقع، استعداد، توان خلاقیت و پویایی جوانان هدر رود و یا سمت و سوی مؤثر و سازنده‌ای در راستای رشد مادی و معنوی آنان به خود نگیرد، نه تنها موجب ترقی و توسعه کشور نخواهد شد، بلکه به نیروی تخریبی و غیر قابل‌مهارى تبدیل خواهد شد که ممکن است بنیان‌های نظام اجتماعی و سیاسی را متزلزل سازد. بنابراین، اهمیت و ضرورت برنامه ریزی و سازماندهی برای استفاده از انرژی نهفته و فراوان جوانان در جهت پیشرفت و اعتلای همه جانبه کشور، امری واضح و روشن است. به همین دلیل، جوانان همواره کانون توجه قدرت‌ها بوده‌اند تا از آن‌ها در راستای تحقق آرمان‌های انسانی و منافع ملی و یا مقاصد مادی و سودجویانه محدود و حقیر بهره‌گیرند.

تعیین نوع جهت‌گیری، در گرو کیفیت تربیتی است که جوانان به آن تجهیز می‌شوند. تلاش برای تربیت مادی و دارای مقاصد دنیا طلبانه صرف، که مبتنی بر خود محوری و خودخواهی است، به آرزوها، احساسات و تمایلات آنی و تنگ نظرانه شخصی دامن می‌زند و مجالى برای ایمان‌طلبی، آرمان‌خواهی، و منافع ملی و مردمی باقی نمی‌گذارد و اهتمام به تربیت الهی، بالنده، پویا، مستقل و مبتنی بر ایمان اسلامی، می‌تواند به میزان اطمینان بخشی، پرورش جوانانی با گرایش‌های اسلامی - انسانی، آرمان خواه و جویای استقلال و طالب منافع ملی و میهنی را تضمین نماید.

بنابراین، جوانان به عنوان مدار و موضوع اصلی تعلیم و تربیت، از اهمیت بسیار زیادی برای تأمین رشد و توسعه معنوی و اخلاقی، علمی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور برخوردارند چنان‌که حضرت امام(علیه السلام) بر طرف شدن عقب ماندگی کشور و اصلاح امور مملکت را با نیروی جوانان ممکن می‌داند (تبیان، دفتر شانزدهم، ص ۱۵). ایشان نیاز کشور را به جوانان، نیازی همیشگی می‌داند و به یاری جوانان برای اصلاح کشور و پیرو انقلاب امیدوار است: «همیشه محتاج به شما جوان‌ها هستیم. ما بعدها برای کشورمان احتیاج به فعالیت شما جوان‌های برومند داریم و من امیدوارم که در همه مراحل، شما با مردانگی با هم همراهی کنید و این نهضت را به پیش ببرید» (همان، ص ۱۶۸).

امام(علیه السلام) همت جوانان و اراده قاطع ملت را مایه روسفیدی ملت و اسلام می‌خواند (همان). و کسب و حفظ استقلال کشور و الهی شدن آن را، به همت ملت به ویژه جوانان وابسته می‌داند (همان، ص ۱۷۰).

امام(علیه السلام)، از جوانان به عنوان سرمایه‌ها، ذخیره‌ها و وارثان کشور یاد کرده (همان، ص ۱۶۸) و آنان را امید خود می‌داند که مقدرات کشور به دست آن‌ها رقم خواهد خورد. ایشان در حقیقت جوان‌ها را وارثان این کشور می‌داند (همان، ص ۵).

با توجه به آنچه گذشت، نظام تعلیم و تربیت باید با درک اهمیت و موقعیت نوجوانان و جوانان، آن‌ها را جدی بگیرد و اقدام به برنامه ریزی سنجیده و منطبق بر نیازها و انتخاب بهترین

راهبردهای رشد و پرورش شخصیت آن‌ها بنماید و تربیت آنان را سهل انگارانه به امور نمایشی، گزارشی و تحمیلات غیر قابل درک برای جوانان محول نکند.

ویژگی‌های جوانان

یکی از اقدامات لازم برای برنامه ریزی سنجیده و منطقی جهت حل و فصل مسایل و مشکلات جوانان، شناخت ویژگی‌ها و آگاهی از ابعاد و زوایای روحی، اجتماعی و جسمی آن‌هاست. برای این منظور، در اینجا به برخی ویژگی‌های مربوط به این دوران از نظر علمی و دیدگاه امام خمینی (علیه السلام) می‌پردازیم تا والدین و مربیان با توجه به آن‌ها، تصمیمات مناسب تربیتی اتخاذ نمایند.

در دوران اولیه جوانی، یعنی نوجوانی، نوجوان به لحاظ بدنی به سرعت رشد می‌کند و قد می‌کشد، افزایش وزن پیدا می‌کند، در تن صدایش تغییراتی پدید می‌آید و تحولات ناگهانی جسمانی، موجب نگرانی‌هایی برای او می‌شود و نابسامانی‌هایی را در رفتارش به وجود می‌آورد.

با وجود این، همه این دگرگونی‌ها، زمینه تکامل جسمانی و نیرومندی بدنی نوجوان را فراهم می‌کنند.

همزمان عواطف و احساسات نوجوان نیز دچار تحول اساسی می‌شوند و افکار، آرزوها و نگرش او را تحت تأثیر قرار می‌دهند و به تدریج بی‌ثباتی عاطفی، ناامیدی در مقابل ناکامی، زودرنجی، تلاش برای مقبولیت بیشتر در نزد همگان، خودآرایی، رویایی بودن، انتقاد ناپذیری و نگرانی از آینده مبهم، در عین داشتن روحیه ایثار و جانب‌داری از حق و حمایت از مظلوم، جای خود را به آرامش، رفتار متعادل، واقع بینی و استقرار نظام ارزش‌های معنوی و اخلاقی می‌دهد. نوجوان، همزمان، قدرت تفکر انتزاعی می‌یابد، به استدلال و استنتاج مسایل می‌پردازد و به بررسی برهانی منطقی دین در پاسخ‌گویی به مسایل اساسی علاقه‌مند می‌شود تا شالوده محکم اعتقادی خود را بر پایه آن استوار سازد.

رشد اجتماعی یکی دیگر از تحولاتی است که در دوره نوجوانی پدید می‌آید و نوجوان را دچار تغییرات مختلفی، بر اساس شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت می‌نماید. مقاومت در برابر ملاک‌ها و میزان‌های بزرگ‌ترها، به ویژه والدین و داعیه استقلال‌طلبی و ترجیح تنهایی بر حضور در اجتماعات، از جمله نشانه‌های شایع این دوران است. همه این رفتارها، واکنشی طبیعی برای کسب استقلال، نیل به هویت شخصی و قبول خویشتن است. نوجوان کم‌کم خود را آماده می‌کند تا از رهگذر آشنایی با فرهنگ و تمدن جامعه و سازگاری با ارزش‌های برخاسته از آن‌ها، به بازسازی شخصیت اجتماعی خود بر بنیاد علم، مذهب و زیبایی‌پردازد و عملاً به دنیای جوانی پا بگذارد. نوجوان در این سن، کمال طلب و دارای شخصیت اخلاقی و

تمایلات معنوی است و آمادگی درک، دریافت و درونی کردن خصلت‌های انسانی، ارزش‌های اخلاقی و خصیصه‌های مذهبی را دارد.

جوان اگر دوره نوجوانی را به خوبی پشت سر گذاشته باشد و از رشد شخصیت کافی و متعادل برخوردار شده باشد، دارای ویژگی‌هایی از این قبیل است: در جهت تثبیت استقلال خود تلاش می‌کند، در انجام امور با افراد آگاه و مجرب مشورت می‌کند، از قبول مسئولیت نتایج اعمالش سر باز نمی‌زند، توانایی هدایت رفتار و اعمال خویش را دارد، تلاش می‌کند توانمندی‌هایش را در مقابله با مشکلات آشکار سازد و از شکست نهراسد، دارای اعتماد به نفس است، در رفتار اجتماعی افراط و تفریط نمی‌کند، با گذشت و عذرپذیر است، توجه‌اش بیشتر به آینده روشن و امید بخش است، در جستجوی دست یابی به معنای حیات معقول و کمال انسانی از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند، خود را نسبتاً می‌شناسد و همان طور که هست می‌پذیرد، خود را در قبال دیگران مسئول می‌داند، در برخورد با دیگران واقع بینانه عمل می‌کند، به گروه و میزان‌های همگنان اهمیت می‌دهد، تلاشی منطقی برای جلب توجه و کسب تأیید دیگران دارد، منتقد و انتقادپذیر است، برای رسیدن به هدف‌های دراز مدت برنامه ریزی می‌کند، مشارکت جو و دارای روحیه تعاون و همکاری است، از راهنمایی منطقی دیگران استفاده می‌کند، صبور و متواضع است و زندگی را بر خود سخت نمی‌گیرد.

ایجاد، رشد و تبلور ویژگی‌های شخصیتی بالا در جوانان، در گرو داشتن نظام تربیتی کارا، جامع و مؤثری است که مبتنی بر شناخت کافی از خصوصیات روانی - عاطفی جوانان و اتخاذ شیوه‌های اثر بخش و متناسب تربیتی با توجه به شرایط، نیازها و انتظارات متفاوت آنان باشد. اکنون به بررسی ویژگی‌های شخصیتی جوانان از دیدگاه امام(علیه السلام) می‌پردازیم تا با وقوف به آن‌ها، راه‌های تحقق نوع تربیت مورد نظر امام(علیه السلام) را در پرتو روش‌های علمی جستجو کنیم.

ویژگی‌های جوانان از نظر امام خمینی(علیه السلام)

۱. دارای روحیه فداکاری

حضرت امام(علیه السلام) جوانان را دارای روحیه فداکاری و از خودگذشتگی در راه هدف‌های متعالی می‌داند: «انشاء الله خدا این جوان‌های، جوان‌های ما که مشغول بودند از اول تا حالا، فداکاری کردند برای ما، برای اسلام نگه دارد اینها را، من دعاگوی اینها هستم، من خدمت‌گزار این‌ها هستم» (مجموعه مقالات کنگره بررسی...، ص ۱۹۵).

۲. محبوب خدای متعال

از آنجا که جوانان دارای خصلت‌های انسانی هستند، امام(علیه السلام) آن‌ها را محبوب خدای متعال

می خواند و خود را برای تشکر از آن‌ها قاصر می داند: «جوانان عزیزم و فرماندهان محترم! شما توقع نداشته باشید که من بتوانم از عهده ثنای شما و شکر عمل شما برآیم. شما را همان بس که محبوب خدای تعالی هستید» (تبیان، دفتر شانزدهم، ص ۵).

۳. تلاش گران مخلص

در نظر امام(علیه السلام) جوانان تلاش گران مخلصی هستند که به کشور خود خدمت می کنند و در مقابل ظالم از مظلوم دفاع می کنند: «آن‌ها [جوانان] مجاهدینی هستند که با کمال اخلاص دارند خدمت می کنند به ایران، و شما مجاهدینی هستید که با اخلاص دارید خدمت می کنید به کشورتان و خداوند با شما است و شما پیروزید» (همان، ص ۶) و در جای دیگر از آنان به عنوان شیردلان شجاع یاد می کند (همان، ص ۷).

۴. دارای قلبی لطیف و ملکوتی و هدایت پذیر

امام(علیه السلام) معتقد است قلب جوانان لطیف و صاف است و بیشتر از قرآن متأثر می شود. از این رو، جوانان آمادگی بیشتری برای هدایت و انتخاب راه درست دارند: «این تأثیر قلبی و تصور باطنی در ایام جوانی بهتر حاصل می شود، زیرا که قلب جوان لطیف و ساده است و صفایش بیشتر است» (همان) و نیز می فرماید: «حدیث است که کسی که قرآن را در جوانی بخواند، قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خویش مختلط شود و نکته آن، آن است که در جوانی اشتغال قلب و کدورت آن کمتر است، از این جهت قلب از آن بیش تر و زودتر متأثر شود و اثر آن نیز بیش تر باقی می ماند» (همان، ص ۱۰).

به نظر ایشان، قلب جوان ملکوتی و سریع الاصلاح است: «شما جوان‌ها بهتر می توانید تحصیل نفس کنید، شما به ملکوت نزدیک تر هستید از پیرمردها... جوان زودتر اصلاح می شود، هزاران جوان اصلاح می شوند و یک پیر نمی شود» (همان، ص ۱۱).

۵. دارای قدرت جسمانی و توان ارادی بالا

امام(علیه السلام) جوانی را ایام قدرت جسمانی و توان ارادی می داند و سفارش می کند که افراد از این دوران برای خودسازی و تسلط بر خود، استفاده نمایند تا قدرت غلبه بر مشکلات را بیابند (همان، ص ۱۷). البته ایشان تأکید می کند که مبدا قوای نفسانی و روانی، سبب غرور شود که آغاز شکستن و فروریختن سکوی پیشرفت مادی و معنوی است (همان، ص ۲۳).

امام قدرت جوانی را قدرتی بی بدیل و معجزه گر می شمارد و آن را نمودی از قدرت لایزال الهی می داند (همان، ص ۲۴). ایشان معتقد است اگر شرایط مناسب فراهم آید، جوانان مشارکت جو و خواهان کمک به دیگران و دارای حسن تعاون هستند (همان، ص ۱۴۰).

از نظر امام (علیه السلام)، جوان‌ها از چنان توان بالایی برخوردارند که هر کاری را بخواهند می‌توانند انجام دهند؛ به شرط این‌که اتکال به خدا و اعتماد به خویشان داشته باشند: «عمده این است که شما (جوانان) دو جهت را در نظر بگیرید که من کراراً عرض کردم، یکی اعتماد به خدای تبارک و تعالی که برای او بخواهید کار بکنید، به شما کمک می‌کند، راه را برای شما باز می‌کند، در هر رشته که هستید راه‌های هدایت را به شما الهام می‌کند و یکی اتکال به نفس، اعتماد به خودتان. شما خودتان جوان‌هایی هستید که می‌توانید همه کارها را انجام بدهید. مخترعین ما می‌توانند در سطح بالا اختراع بکنند، مبتکرین ما می‌توانند در سطح بالا ابتکار کنند، به شرط این‌که اعتماد به نفس خودشان را داشته باشند و معتقد بشوند به این‌که می‌توانیم» (همان، ص ۱۴۸).

امام (علیه السلام) از روحیه نیرومند و قدرت روانی بالای جوانان در شگفت می‌ماند: «روحیه قوی این جوانان بیست ساله از اموری است که انسان را به تعجب وا می‌دارد» (همان، ص ۲۳۲) و مهم‌تر از همه، امام (علیه السلام) جوانان را تجلی خداوند بر زمین می‌داند: «به تو و سایر جوان‌ها که طالب معرفت‌اند وصیت می‌کنم که شما و همه موجودات جلوه اویند و ظهور اویند، کوشش و مجاهده کنید تا بارقه‌ای از آن را بیاورید و در آن محو شوید و از نیستی به هستی مطلق برسید» (همان، ص ۲۶).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، امام (علیه السلام) ضمن اعتقاد به یک نظام جامع تربیتی برای پرورش صحیح و کارآمد افراد، انسان را بالفطره پاک و مبرا از پلیدی می‌داند و معتقد است اگر نظام تعلیم و تربیت بتواند جوان را بر همان سرشت اولیه خود نگه دارد و رشد دهد، نتیجه آن، تربیت جوان متعادل و سالمی خواهد بود که ویژگی‌های او را از دیدگاه علمی و رویکرد حضرت امام (علیه السلام) آرایه نمودیم.

نیازهای جوانان

جوانان پس از سپری کردن دوره کودکی و ورود به سنین نوجوانی و جوانی، نیازهای جدیدی پیدا می‌کنند و والدین و مربیان موفق، کسانی هستند که قادر باشند آن نیازها را به موقع شناسایی و راه‌های درست ارضای آن‌ها را جستجو نموده، پاسخ مناسب به آن‌ها بدهند. در این صورت است که می‌تواند در جریان تربیت جوانان مداخله مؤثری داشت و آن‌ها را در جهت مطلوب، هدایت و راهنمایی کرد. در این‌جا برای آشنایی بیشتر والدین و مربیان، به بررسی برخی نیازهای جوانان از دو دیدگاه علمی و رویکرد امام (علیه السلام) می‌پردازیم.

نیاز به معنا و فلسفه حیات

یکی از نیازهای مهم جوانان، نیاز به فلسفه زندگی و مذهب است؛ نیازی که ابتدا با شک و تردید و بعد به صورت بارزی در جوانان شروع به خود‌نمایی می‌کند. در این سن همراه با رشد

عقلانی، پرسش‌های فراوانی برای جوانان مطرح می‌شود. آن‌ها می‌کوشند با جستجوی پاسخ‌های قانع‌کننده در موضوعات اساسی زندگی، به نظامی فکری و عقیدتی دست یابند که راهگشای آنان در تصمیم‌گیری و ارزش‌گذاری‌های مهم زندگی باشد و بتوانند متعهدانه از آن دفاع نمایند. نظامی که به آن‌ها هویت ایدئولوژیک ببخشد تا در پرتو آن به فلسفه حیات روشن و رضایت‌بخشی نایل آیند. در این دوران والدین و مربیان نباید نوجوانان و جوانان را در برخورد با مسایل عقیدتی و یافتن پاسخ پرسش‌های اساسی تنها بگذارند؛ بلکه باید با بحث و گفت‌وگوی منطقی و معرفی کتب و منابع متقن و ارجاع آن‌ها به افراد آشنا با مسایل عقیدتی و دینی، به جوانان کمک کنند. شرط چنین کمکی، خویشتن‌داری، آگاهی، محبت، اعتماد، پرهیز از هرگونه برچسب زدن و دادن فرصت لازم برای مطالعه و بررسی به آنان است. تا آن‌ها به تدریج از وادی شک و تردید به سرچشمه اطمینان و آرامش و یقین رهنمون شوند.

جوانی که می‌داند در کدام جهان زندگی می‌کند و تفسیر روشنی از آغاز و انجام حیات و هستی دارد، برای خود تکیه‌گاه فکری نیرومندی در مقابله با فراز و فرودها و تحلیل و تبیین مسایل در پرتو درک هدف‌مندی و قانون‌مداری جهان به دست می‌آورد و خود را در بیکران عالم هستی رها و معلق، احساس نمی‌کند. در این میان، نباید از تأثیر عمیق والدین بر فرزندان، هرچند به صورت ناخودآگاه در ایجاد نگرش نوجوان نسبت به اصول عقاید و نحوه زندگی غافل ماند. دوره نوجوانی به لحاظ معنوی و اخلاقی، زمان تجلی معرفت الهی، عرفان و رفتار مذهبی، اخلاق و معنویت است و نوجوان آمادگی زیادی برای قبول فضایل انسانی و ارزش‌های معنوی و اخلاقی و احساسات کمال‌طلبانه دارد. به قول امام (علیه السلام): «جوان‌ها جدید العهد هستند به ملکوت، و نفوسشان پاک‌تر است» (تبیان، دفتر هیجدهم، ص ۲۲). ایشان در زمینه معنا و فلسفه حیات و اثرات آن می‌فرماید: «انسان اگر با تربیت الهی بار آید و با معانی و آیات قرآن که هدایتی برای متقیان است آشنا گردد، آن‌گاه از نظر روحی و معنوی چنان قوی می‌شود که می‌تواند در برابر بزرگ‌ترین مشکل‌ها تحمل داشته باشد و در برابر مصیبت‌ها که لازمه این زندگی خاکی است صبر و شکیبایی پیشه کند. در اثر این نوع تربیت است که انسان در می‌یابد هر چه دارد از آن خداست که چند صباحی به عنوان امانت در اختیار وی گذاشته شده است، و پس از چندی همه‌اش به صاحب امانت بازگردانده می‌شود، چرا که هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است از آن اوست. اگر تربیت طوری باشد که به انسان این معنی را بفهماند که نه تنها هر چه دارد از آن خداست، بلکه خود او نیز از آن خود نیست و به خدا تعلق دارد، آن‌گاه نفس‌اش از سرکشی باز می‌ایستد و تکبر و غرورش فرو می‌ریزد و به این نتیجه می‌رسد که این اراده خداست که او را از نیستی به هستی درآورد و بار دیگر او را از هستی این جهانی ساقط و به کتمان عدم در می‌برد. اگر انسان چنان تربیت شود که این معنی را درک کند و به آن یقین پیدا کند به مقامی می‌رسد که از دست دادن هیچ چیزی، از دست دادن عزیزترین عزیزانش نیز او را چندان غمگین و اندوهناک

نمی‌کند، چرا که می‌داند آنچه اتفاق افتاده همان بازگشت امانت به صاحب آن است» (مجموعه مقالات کنگره بررسی...، ص ۱۸۵).

نیاز به محبت

یکی دیگر از نیازهای جوانان، نیاز به عشق و محبت است. جوان دوست دارد به دیگران محبت کند و مورد محبت آن‌ها قرار گیرد؛ زیرا محبت یک نیاز اصیل انسانی است و این نیاز در جوان شدیدتر است. جوانان می‌خواهند به افراد بیشتری محبت بورزند و دامنه دوستی‌هایشان را گسترش دهند و از سوی افراد بیشتری مورد محبت قرار گیرند.

محبت و عشق ورزیدن، اساس روابط انسانی با نشاط و تفاهم‌آمیز است؛ از این رو، والدین و مربیان باید پیشاپیش زمینه چگونگی عشق ورزی و ابراز محبت را به جوانان بیاموزند و خود نیز در گفتار و کردار، دوستی و محبت را به آن‌ها نشان دهند و زمینه پرورش این خصیصه انسانی را در آن‌ها به وجود آورند؛ ویژگی‌ای که در پرتو آن تعلیم و تربیت مؤثر و مطلوب در محیطی امن، صمیمی و اعتماد‌آمیز میسر می‌شود و متولیان تربیتی مجال می‌یابند مقاصد پرورشی خود را دنبال کنند و در فرآیند پرورش و هدایت جوانان دخالت اثر بخشی داشته باشند. حضرت امام (علیه السلام) به نقش مهم محبت، ملائمت و ملاحظت در تربیت افراد اشاره می‌کند و می‌فرماید: «هم اصلاح کنیم خودمان را، که خدای نخواستہ تخلف نکنیم و هم توجه کنیم به این که اگر یکی تخلف کرد جلوش را بگیریم، نه به داد و دعوا، گفتن با ملائمت. اگر یک کسی یک کار خلافی کرد و صد نفر آدم با ملائمت سلام کرد، تعارف کرد، بگوید آن کار خوب نبوده، تأثیر می‌کند در انسان، نمی‌تواند تخلف کند» (همان، ص ۴۵۶). ایشان هم‌چنین در رابطه‌ای پدرانه و مشفقانه، شاگردان خود را چون فرزند عزیز و از دست رفته‌اش آیه الله حاج آقا مصطفی می‌خواند و این گونه ابراز محبت و صمیمیت می‌کند و در سخنی دیگر، علاقه قلبی و ارادت خود به جوانان را چنین ابراز می‌کند:

«من در این جا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گل‌های معطر و نوشکفته جهان اسلام سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین خود را بدانید و نکته دیگری که در نهایت ارادت و علاقه‌ام به جوانان عرض می‌کنم، این است که در مسیر ارزش‌ها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید» (همان، ص ۴۵۸). امام (علیه السلام) توصیه می‌کند که باید در مواجهه با تندروی‌های جوانان، با رفتاری توأم با رفق و مدارا و دور از سخت‌گیری با آن برخورد شود: «جوان یک طرز فکری دارد که پیرها آن طرز فکر را ندارند و شما در بین خودتان، هم جوان‌ها هستند و هم پیرها هستند. شما در این طور امور اگر یک وقت دیدید که یک جوانی به واسطه تندگی که دارد و در عین حالی که سالم است، لکن خوب، یک تندگی‌هایی در جوان‌ها هست، یک وقت دیدید که مقاله‌ای نوشته است و این مقاله

موجب آزردهی یک جمعی می‌شود، باید کوشش کنید که کم بشود» (همان، ص ۴۰۶). بنابراین، والدین و مربیان باید با در نظر گرفتن این نیاز و ایجاد محیط و کانون‌های گرم و محبت‌آمیز و برقراری رابطه‌ای امن و اعتماد آفرین، اقدام به تعلیم و تربیت جوانان بنمایند و از برخوردهای تند، غیر دوستانه و سخت‌گیرانه با جوانان جداً پرهیز نموده و با تصمیمات و اقدامات تربیتی در آن‌ها نفوذ و اثر لازم را داشته باشد.

نیاز به امنیت

انسان همواره می‌خواهد در محیطی امن و آرام و به دور از هرگونه عوامل تهدیدکننده زندگی کند و مال و جان، آبرو و شخصیت و موقعیت اجتماعی‌اش در امان باشد و نگران لطمه خوردن آن‌ها نباشد. موقعیت‌های ناامن، تولید تنش و اضطراب می‌کنند و این اضطراب، در جوانان بیشتر از دیگران ظاهر می‌گردد؛ زیرا آنان به حمایت‌های اجتماعی بیشتری نیاز دارند و می‌خواهند در محیطی آرام، سازمان یافته، قانونمند و ملاک دار و قابل پیش بینی زندگی کنند تا بتوانند به رفتار خود نظم ببخشند و عملکرد اصولی و متناسب با آن داشته باشند و از بلا تکلیفی در مواجهه با حوادث غیر منتظره، غیر قابل کنترل و خطرناک‌های پدید می‌آیند و در صورت برخورد با چنین رویدادهایی، مورد حمایت قرار گیرند و منابع ناامنی در زمینه‌های فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را از بین ببرند. در همین راستا امام (علیه السلام) در فرمانی نسبت به ایجاد امنیت و مصون بودن آحاد ملت از هرگونه صدمه عرضی، جانی و مالی در پناه جمهوری اسلامی، تأکید می‌فرماید: «باید همه بدانیم که پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی و عنایات خداوند کریم و توجه حضرت خاتم الاوصیا و بقیه الله (ارواحنا لمقدمه الفداء) پشتیبانی بی نظیر ملت متعهد ارجمند از نظام و حکومت، قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن، خدای نخواستگه به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی توجه به معنویت صادر شود. باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است، احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند» (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۰۷).

نیاز به تعلق گروهی

جوانان در جستجوی احراز هویت، رهایی یافتن از احساس تنهایی و کسب مقبولیت و ارزشمندی تلاش می‌کنند در گروه همسالان پذیرفته شوند. در این سن ملاک‌ها، تصمیمات و رهبری گروه برای جوانان بسیار با اهمیت تلقی می‌شود و از آن‌ها به عنوان معیاری برای ارزیابی افکار و رفتار استفاده می‌شود. برای جوانان پیوستن به گروه، آن قدر مهم است که کوشش

می‌کنند از هر طریق ممکن، راهی برای ورود به آن بیابند و اگر ورود به گروه از راه‌های متداول، درست و منطقی میسر نشود، آن‌ها به هر اقدامی، هر چند نامطلوب و نادرست، دست خواهند زد.

والدین و مربیان به جای تلاش برای جلوگیری از ورود جوانان به گروه‌های همگن و یا خدشه دار کردن اعتبار گروه نزد جوانان برای بازداشتن آن‌ها از پیوستن به آن، باید ابتدا سعی نمایند با ایجاد رابطه صمیمانه و جلب اعتماد جوان، او را در راهیابی به گروه‌های سالم و سازنده هدایت نمایند و پس از ورود به گروه نیز او را دوردور زیر نظر بگیرند و در صورت بروز اشکال در رفتار گروه، در محیطی دوستانه و منطقی و به دور از هر گونه تنش و حتی الامکان به صورت غیر مستقیم، او را در جریان خطرات و بروز انحرافات و تبعات ناشی از همراهی با گروه، قرار دهند و زمینه تصمیم‌گیری درست را در او به وجود آورند تا وی در پرتو اطلاعات و آگاهی‌های لازم، اقدام به تصمیم‌گیری نماید. به هر حال، گروه همگنان، دوستان و مباشران نقش مؤثری بر رفتار، اخلاق و اعتقادات جوانان دارد و این حقیقتی است که امام(علیه السلام) در پیام‌های مختلف، یادآور می‌شود و بر اهمیت گروه همسالان و دوستان در تهذیب یا تخریب شخصیت جوانان تأکید می‌کند: «از وصایای من که در آستانه مرگ و نفس‌های آخر را می‌کشم به تو که از نعمت جوانی برخورداری، آن است که معاشران و دوستان خویش را از اشخاص وارسته و متعهد و متوجه به معنویات و آنان که بر حب دنیا و زخارف آن گرایش ندارند و از مال و منال به اندازه کفایت و حد متعارف پا بیرون نمی‌گذارند و مجالس و محافلشان آلوده به گناه نیست و از اخلاق کریمه برخوردارند، انتخاب کن که تأثیر معاشرت در دو طرف صلاح و فساد اجتناب‌ناپذیر است و سعی کن از مجالسی که انسان را از یاد خدا غافل می‌کند پرهیز نمایی که با خوگرفتن با این مجالس، ممکن است از انسان سلب توفیق شود که خود مصیبتی است جبران‌ناپذیر» (تبیان، دفتر شانزدهم، ص ۲۰). ایشان هم چنین زمانی که گروه‌های منحرف با سوء استفاده از این نیاز تعلق گروهی، جوانان را به جمع‌های ضد دینی و ضد انقلابی فرا می‌خواندند، هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «این گروه‌هایی که مع الاسف عده‌ای از جوانان ما و بچه‌های عزیز می‌باشند که این‌ها باید برای میهن خودشان و اسلام خودشان عمل کنند آن‌ها را بازی می‌دهند و بر ضد این انقلاب اسلامی که دست قدرت‌ها از این کشور را قطع کرده است بسیج می‌کنند و در خیابان‌ها می‌آورند و در مقابل ملت می‌خواهند بایستند، اینها در اشتباه‌اند و من باید این جوان‌های گول خورده‌ای که از چند نفر گرگ این‌ها گول خورده‌اند، نصیحت می‌کنم و به پدر و مادر این عزیزان نصیحت می‌کنم که شما فرزندان خودتان را و جوان‌ها خودشان را از دست این گرگ‌هایی که به صورت آدمیزاد درآمدند و شما را منحرف می‌خواهند بکنند، توجه داشته باشید» (همان، ص ۳۵۶).

نیاز به استقلال

جوانان با پشت سر گذاشتن دوره کودکی و وابستگی به خانواده، به تدریج خود را آماده

می‌کنند تا به عنوان یک فرد مستقل در اجتماع حضور مؤثر داشته باشند و در جمع بزرگسالان رأی و نظر آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها مورد توجه واقع شود و بتوانند آزادانه تصمیمات معقول و منطقی خود را ابراز نموده و به اجرا درآورند. جوانان تلاش می‌کنند از این طریق، لیاقت و شخصیت قابل اعتمادشان را به اثبات برسانند و کسب حرمت و مقبولیت اجتماعی نمایند. داشتن استقلال و آزادی فکر و عمل، به ویژه برای جوانان، از امور مورد تأکید حضرت امام (علیه السلام) است. ایشان برای استقلال فکری ارزش قایل‌اند که مفید بودن افراد را، منوط به استقلال آن‌ها می‌دانند (مجموعه مقالات کنگره بررسی...، ص ۳۷۳). ایشان هدف اصلی انبیاء را نیز استقلال و آزادی انسان‌ها می‌داند و می‌فرماید: «تمام همی انبیا این بود که آدم درست کنند که آدم نوری یک مملکتی باشد. آزادی به جوری که آزادی ضرر به غیر نزنند. استقلال فکری، استقلال روحی، استقلال انسانی، آن‌ها می‌خواهند درست کنند.» (تبیان، دفتر هجدهم، ص ۴۴).

بنابراین، والدین و مربیان باید اقدامات و تدابیر هدایتی و تربیتی خود را با توجه به تأمین استقلال و آزادی معقول جوانان دنبال نمایند و از انجام اموری که موجب خدشه دار شدن استقلال منطقی، حرمت و آزادی آن‌ها می‌شود، پرهیز کنند تا بتوانند از فعالیت‌هایشان نتایج و ثمرات مطلوب به دست آورند.

نیاز به قدردانی

پاس داشت زحمات و کارهای مفید افراد، وظیفه‌ای انسانی است که موجب تشویق آنان به کار و تلاش بیشتر نیز می‌شود. این روحیه در جوانان بیشتر از بزرگسالان است. جوانان می‌خواهند از زحمات و کارهای مفید آن‌ها قدردانی به عمل آید و بین افراد تلاش‌گر و مؤثر و دیگران فرق گذاشته شود. آن‌ها دوست دارند فعالیت‌های سودمند و مفید آن‌ها در معرض دید و تحسین قرار گیرد و مطمئن شوند که بین اعمال و رفتار خوب و بد تفاوت گذاشته می‌شود، کارها و رفتار شایسته به موقع پاداش داده می‌شود و افراد ساعی و مسئولیت‌پذیر مورد توجه جامعه و اطرافیان قرار می‌گیرند. آن‌ها می‌خواهند این توجه بیشتر معطوف به جنبه مثبت فعالیت‌ها و اقدامات آن‌ها شود، خطاهای احتمالی‌شان تا حد ممکن نادیده گرفته شود و به هنگام ضرورت خطاها به صورت منصفانه ارزیابی شده و جهت تصحیح آن‌ها، موقعیت‌های اصلاح‌کننده‌ای به وجود آید. حضرت امام (علیه السلام) اسوه قدرشناسی و حرمت‌گذاری به مردم و مجاهدات و کوشش‌های آن‌ها، به خصوص جوانان زحمت‌کش و مجاهد در راه ارتقای شخصیت فردی و بهبود وضع اجتماعی است. ایشان در این مورد می‌فرماید: «من واقعا گاهی وقت‌ها که می‌بینم بعضی از این جوان‌ها این طور هستند، من خجالت می‌کشم که اینها چه می‌گویند و ما چه می‌گوییم، اینها چه حالی دارند و ما چه حالی داریم». ایشان در تجلیل از جوانان تا آنجا پیش می‌رود که کلمات را قاصر از بیان ستایش آنان می‌داند (مجموعه مقالات کنگره

بررسی...، ص ۴۴۴).

امام(علیه السلام) برای ابراز تقدیر از جوانان، مباحثات می‌کند که در میان آن‌ها زندگی می‌کند: «من افتخار می‌کنم، مباحثات می‌کنم به درگاه خدا، که در یک همچو مقطع از زمان واقع شدم که جوانان ما این طور هستند» (همان) و بالاخره امام(علیه السلام) از روحانیون به عنوان بخشی از مریبان جامعه می‌خواهد که به استقبال جوانان بروند و مشوق و ترغیب کننده آنان باشند و با آن‌ها با ملاطمت، گذشت، ملاطفت رفتار کنند:

«به روحانیون جمیع کشور، چه در روستا و چه در شهرها و هر جا که هستند سفارش می‌کنم که این جوان‌ها را تشویق کنند، بروند سراغ این جوان‌ها، با آن‌ها صحبت کنند، ملاطفت کنند» (همان).

نیاز به عزت و احترام

تأمین احترام و عزت نفس از هدف‌های مهم انسان است و جوانان در پی کسب دستیابی به آن حاضرند هرگونه فعالیت ریاضت طلبانه و مشقت انگیزی را تحمل کنند تا شایستگی خود را از طریق کنترل و تسلط بر خود و عوامل پیرامونی به اثبات برسانند. جوانان می‌خواهند مورد احترام واقع شوند و به دیگران احترام بگذارند. بدیهی است ابراز احترام نه در سایه تعریف و تمجیدهای ظاهری و بی مورد، که در پرتو رفتار آگاهانه و مسئولانه ممکن می‌شود. جوانان، با این هدف که می‌خواهند به نیازها و انتظار جامعه پاسخ دهند و اقدام عملی در این زمینه، توقع دارند جامعه هم به آن‌ها احترام بگذارد و ارزش، شایستگی، کفایت، اعتبار و حیثیت آن‌ها را به رسمیت شناسد و رفتارهای متناسب با آن داشته باشد.

از این رو، کسانی می‌توانند در فرآیند تربیت جوانان دخالت مثبت و مؤثر نمایند که به این نیاز جوانان پاسخ دهند و عزت نفس آن‌ها را پاس دارند و در جریان اقدامات تربیتی، موجبات خدشه دار شدن شخصیت آن‌ها را فراهم نیاورند تا آن‌ها احساس ناامنی نکرده و در مقام دفاع از اعتبار خود، در مقابل اقدامات و رهنمودهای آنان به مقاومت برخیزند.

حفظ احساس محترم بودن و خود ارزشمندی، مبنای اعتماد به نفس و برخوردارگی از آن، تنها راه وصول به شخصیت سالم، توانمند و کارآمد است؛ زیرا فرد فاقد عزت نفس، ارزشی برای خود قایل نیست تا درصدد تقویت و سالم سازی شخصیت خود برآید.

فردی که دارای عزت نفس و در نتیجه واجد اعتماد به نفس و متکی به خود است، به ارزش، توانایی، کفایت و موفقیت خویش ایمان دارد و قادر است در جهت تحولات مثبت فردی و اجتماعی مجهز شود.

امام(علیه السلام) با درک صحیح و اصولی این مهم، با فریادی رسا، آحاد مردم به ویژه جوانان را به عزت مندی، خودباوری و اعتماد به نفس در سایه خدا باوری فرامی‌خواند و پیشرفت و عظمت

آن‌ها را منوط به آن می‌داند:

«شما جوانان برومند کشور هستید که باید جبران آن نقیصه‌هایی که در طول تاریخ این دو جنایت‌کار، پدر و پسر جنایت‌کار به این کشور وارد شد جبران کنید و عمده این است که شما دو جهت را در نظر بگیرید که من کراراً عرض کردم، یکی اعتماد به خدای تبارک و تعالی که وقتی برای او بخواهید کار بکنید به شما کمک می‌کند، راه را برای شما باز می‌کند، در هر رشته که هستید راه‌های هدایت را به شما الهام می‌کند و یکی اتکال به نفس، اعتماد به خودتان. شما خودتان جوان‌هایی هستید که می‌توانید همه کارها را انجام بدهید، مخترعین ما می‌توانند در سطح بالا اختراع بکنند، مبتکرین ما می‌توانند در سطح بالا ابتکار کنند، به شرط اینکه اعتماد به نفس داشته باشند و معتقد بشوند به اینکه می‌توانیم. در رژیم سابق نمی‌توانیم را در بین همه قشرها شایع کردند، به همه گفتند ما نمی‌توانیم و باید تواناها بیایند و به ما تعلیم بدهند، آن‌ها هم که می‌آمدند تعلیم نمی‌دادند، شما را وابسته کردند. امروز که دست همه آن‌ها بحمدالله قطع شده است و دیگر برای آن‌ها جایی در این کشور باقی نمانده است، این شما جوان‌های کشور هستید که در هر جا هستید باید به فکر آتیه کشور خودتان باشید، حال کشور خودتان باشید و لازم است که با این دو خصیصه، اتکال به خدای تبارک و تعالی، اطمینان به نفس، با این دو خصیصه به پیش بروید و بعد از مدت کوتاهی خواهید دید که راه‌های سعادت بر شما باز می‌شود» (خودباختگی و خودباوری...، ص ۱۴).

ایشان قدرت را نتیجه قوت نفس و وصول به نفس توانمند و اتکای به آن را در سایه رنج، زحمت و تلاش و توکل بر خداوند میسر می‌داند: «تا ضعیفید زیر بار اقویا هستید، آن وقتی که نفس شما قوی شد و اعتنا نکردید، اعتنا به این زخارف نکردید آن وقت است که از شما حساب می‌برند» (همان، ص ۹۷).

نیاز به ازدواج

تأمین غریزه جنسی، پاسخ‌گویی به یک نیاز اساسی افراد به ویژه جوانان است. در این سن گرایش به جنس مخالف بیش از هر زمان دیگری وجود دارد و باید به نحو مشروع و معقول پاسخ داده شود. کیفیت برخورد جوانان با این مسئله، به میزان زیادی بستگی به نوع تربیت جنسی آن‌ها در دوران قبل از بلوغ دارد.

جوانانی که در دوره کودکی پایه‌های رشد خود را در ابعاد مختلف عقلانی، اجتماعی، معنوی، اخلاقی، عاطفی و جسمانی در یک روند طبیعی پایه ریزی کرده‌اند و با تفاوت‌ها، نقش‌ها و انتظارات و راه‌های ارضای درست و به هنگام غریزه جنسی آشنا و تربیت شده‌اند، تصمیمات و اقدامات آگاهانه و منطقی‌تری از کسانی که تربیت سنجیده و اندیشیده شده‌ای در این زمینه نداشته‌اند، دارند.

بدیهی است پاسخ‌گویی درست و اصولی به این نیاز در چهار چوب ازدواج* امکان‌پذیر است. برای انجام ازدواج باید پیشاپیش به تدارک لازم در جهت تأمین هزینه‌های مورد نیاز مسکن، اثاثیه و راه‌های تأمین معیشت پرداخت که این تدارک، نیازمند داشتن شغل و کسب درآمد است.

توجه به این سائق طبیعی در فرآیند تربیت، به والدین و مربیان دیدگاه جامعی می‌دهد تا با در نظر گرفتن عوامل تأثیرگذار بر یک موقعیت تربیتی، تصمیمات به‌جا و مقتضی اتخاذ کنند. بی‌توجهی نسبت به برآوردن این نیاز، نتایج و تبعات زیان‌باری به بار می‌آورد و موجب گسترش فساد در جامعه و تباهی جوانان می‌شود. چنان‌که امام (علیه السلام) یکی از هدف‌های استعمارگران و حکومت‌های دست‌نشانده آن‌ها در کشورها را ایجاد زمینه فساد در جوانان، از طریق دامن زدن به لجام گسیختگی در ارضای نیازهای جنسی جوانان و به رخوت کشاندن و غیر فعال کردن آن‌ها می‌داند: «آن چیزی که بسیار مهم است، آن چیزی که اجانب بیشتر روی آن کار می‌کردند و کردند، آن انسان‌هاست. در سال‌های طولانی که اخیراً قوه پیدا کرد، اینها در صدد بودند که این انسان‌ها را از آن حالی که به حسب طبع خودشان و فطرت اسلامی خودشان هست، برگردانند به یک حال دیگر و نگذارند نیروی انسانی این کشور، بلکه نیروی انسانی شرق نگذارند که پیش برود. با شیوه‌های مختلف، در هر جامعه به یک شیوه خاصی و طرح خاصی انجام این کار را می‌خواستند بدهند که جوان‌های ما از آن قدرت فعاله که دارند برگردند به یک حال رخوت و بی‌تفاوتی. این همه مراکز فحشا که اینها درست کردند و دامن به آن‌ها زدند، تبلیغات کردند، روزنامه‌ها و مجلاتشان، رادیو و تلویزیونشان دامن زد به این مراکز و به این فساد، این‌ها همچو نبود که بدون توطئه‌ای باشد. این‌که به نظر می‌رسید این بود که یک توطئه‌ای بود برای این‌که جوان‌ها را وارد کنند به این مراکز و از آن قدرت فعاله‌ای که دارند اینها را خلع سلاح کنند» (تبیان، دفتر شانزدهم، ص ۵۵).

امکانات و قابلیت‌های جوانان

دوره جوانی، دوره امکانات، ظرفیت‌ها و توانایی‌های مختلف است و قابلیت‌های متنوع و فراوانی را در اختیار جوانان می‌گذارد؛ امکانات و توانایی‌هایی که کمتر می‌توان به این میزان در دوره‌های دیگر سنی پیدا کرد. از این رو، جوانان و متولیان و دست‌اندرکاران امر تربیت، باید با

* ازدواج در اسلام به دو شکل موقت و دائم قابل انجام است. از آن‌جا که تشکیل خانواده و ازدواج دائم در شرایط حاضر با مشکلات عدیده‌ای رو به روست، رهبران و مسئولان جامعه باید ضمن تلاش برای رفع آن‌ها، کارشناسان امور اسلامی و اجتماعی را موظف به مطالعه و بررسی جدی برای جستجوی سازو کارهای مناسب و معقول جهت اجرا و به کارگیری ازدواج موقت نمایند؛ زیرا نشانه‌های نه چندان خوبی از نحوه پاسخ‌گویی به این نیاز اساسی در جامعه، به ویژه در میان جوانان مشاهده می‌شود.

شناسایی و شکوفایی آن‌ها، حداکثر بهره‌گیری از آن‌ها را در تربیت انسان‌های شایسته و کارآمد به عمل آورند. در این‌جا برای آگاهی بیشتر به برخی از این ویژگی‌ها و قابلیت‌ها اشاره می‌کنیم.

قلب سلیم

اگر زندگی انسان را به سه فصل کودکی، جوانی و پیری تقسیم کنیم، جوانی پرشورترین، با طراوت‌ترین و پرجوش‌ترین فصل آن است. در این سن، جوانان دارای صفا، صداقت، صمیمیت، قلب سلیم و آماده پذیرش ایمان‌اند و هنوز انحراف و فساد در فکر و عمل و احساس آن‌ها ریشه ندوانده است؛ به قول امام(علیه السلام) جوانان به ملکوت نزدیک‌ترند و آمادگی بیشتری برای تهذیب نفس دارند:

«تا جوانی در دست توست کوشش کن در عمل و در تهذیب قلب و در شکستن اقبال و رفع حجب که هزاران جوان که به افق ملکوت نزدیک‌ترند موفق می‌شوند و یک پیر موفق نمی‌شود» (همان، ص ۲۵).

این سرمایه بزرگی است که والدین و مربیان باید قدر آن را در جهت تقویت و تثبیت مایه‌های ایمان و تربیت اخلاقی جوانان بدانند و در تحکیم مبانی معنوی و اعتقادی آن‌ها تلاش کنند.

انرژی سرشار و توان عمل

جوانی دوره اوج توانمندی روحی و جسمی است. جوانان فرصت بی‌همتایی برای استفاده بیشتر از امکانات ذخیره شده وجودی خود در جهت برنامه ریزی، اجرا و دستیابی به هدف‌هایشان دارند. جوانان با وجود انرژی فراوان و قدرت بی‌منزاع روحی و جسمی، می‌توانند به آرزوهای خود جامه عمل بپوشانند و به سرعت راه‌های ترقی و تکامل مادی و معنوی را طی نمایند.

استعداد فراوان برای یادگیری، توان عقلانی بالا، ظرفیت نامحدود کمال یابی معنوی، احساسات و عواطف سرشار و پاک انسانی و توانمندی زیاد بدنی، جوانان را در یک موقعیت ممتاز و استثنایی برای دستیابی به آرزوها و اهدافشان قرار می‌دهد.

والدین و مربیان نیز ضمن توجه به نیروی وافر جوانی و بهره‌گیری بهتر از آن در جهت رشد و تعالی همه جانبه جوانان، باید مواظب باشند که جوانان دچار غرور نشوند و انرژی نهفته در وجود خود را معطل نگذارند یا در جهت منفی و تأمین تمایلات آنی و پاسخ‌گویی به خواسته‌های پیش پا افتاده و کم اثر، استفاده نکنند. امام(علیه السلام) ضمن یادآوری قدرت جوانی، تأکید می‌کند که از این ایام طلایی برای بهسازی و اصلاح نفس استفاده شود و دقت شود که جوان دچار خودبینی و غرور نگردد: «از حالا که جوان هستید و قوای جوانی محفوظ است جدیت کنید به این‌که هوای نفس را از نفس خود خارج کنید. همه گرفتاری‌ها روی همین هوای نفس است»

(همان، ص ۲۳). ایشان هم چنین می‌فرماید: «بکشید تا حجاب خودیت را بردارید و جمال و جمیل او، جلّ و علا را ببینید، آن گاه است که هر مشکلی آسان و هر رنج و زحمتی گواراست و فدا شدن در راه او، احلی از عسل بلکه بالاتر از هر چیز به گمان آید. مبدا غرور شجاعت و جوانی و پیروزی در دل شما راه یابد که با آمدن آن، همه چیز فرو ریزد و طاق و رواق آمال در هم شکند» (همان، ص ۲۴).

قدرت اراده و خودکنترلی

جوان به عنوان مجموعه‌ای از توانمندی‌ها، امکانات مناسبی برای تسلط بر خویش و بهره‌گیری از اراده و قدرت خود کنترلی دارد. از این رو، فرصت مقتنمی هم در اختیار جوانان و هم در اختیار دست اندرکاران تربیتی است که با استفاده از این قدرت بی‌مانند، تمهیدات لازم را جهت تعلیم و تربیت مطلوب و هدایت جوانان به سوی خودشکوفایی به عمل آورند. بدیهی است تربیتی پویا و پایدار است که متریان در فرآیند آن حضور فعال داشته باشند و در جریان اخذ تصمیمات اساسی و نهایی آن سهیم باشند و والدین و مربیان، بیش‌تر نقش راهنما، ارایه دهنده اطلاعات، دانش و تجارب و نیز بیان‌پی آمدها و نتایج را در زمینه مسایل تربیتی به عهده گیرند و رأی و تصمیم نهایی را به خود جوانان واگذار نمایند؛ زیرا سرانجام این متریان و جوانان هستند که باید اقدام به اجرا و تحقق هدف‌های تربیتی نمایند و آن‌ها را در وجود خود متجلی سازند.

امام (علیه السلام) راحل به مجال مهم و سرنوشت ساز جوانان در برخورداری آنان از اراده قوی اشاره می‌کنند و از آن‌ها می‌خواهند تا از قدرت اراده و توانایی دوره جوانی به بهترین وجه استفاده کنند و در شکوفایی انسانی خود بکوشند که فرصت‌ها از دست می‌روند و خسران ماندگار می‌شود: «هر قدر در جوانی انسان مهذب شد، شد. اگر در جوانی خدای نخواست مهذب نشد، بسیار مشکل است که در زمان کهولت و پیری که اراده ضعیف است و دشمن قوی، اراده انسان ضعیف می‌شود و جنود ابلیس در باطن انسان قوی، ممکن نیست دیگر آن وقت، اگر هم ممکن باشد بسیار مشکل است. از حالا به فکر باشید، از جوانی به فکر باشید» (همان، ص ۱۴).

جوانان باید به روشنی به این حقیقت واقف شوند که هر قدر بر خود مسلط شوند، به همان میزان بر عوامل محیطی و جهان تسلط پیدا خواهند کرد و از این طریق می‌توانند زمینه سعادت خود در آن جهان را نیز فراهم کنند؛ به قول حضرت امام (علیه السلام) برترین و بالاترین مقام‌ها از طریق عزم و اراده میسر می‌شود:

«بدان ای عزیز که عزم و اراده قوی در آن عالم خیلی لازم است و کارکن است. میزان یکی از مراتب بهشت، که از بهترین بهشت‌هاست، اراده و عزم است که انسان تا دارای اراده نافذ و عزم قوی نباشد، دارای آن بهشت و مقام عالی نشود. در حدیث است که وقتی اهل بهشت در آن مستقر گردند، یک مرقومه از ساحت قدس الهی (جلّت عظمته) صادر گردد برای آن‌ها به این

مضمون: «این کتاب ارزنده پایدار جاویدان است به سوی زنده پایدار جاویدان، من چنانم که هر چه بفرمایم بشو، می‌شود؛ تو را نیز امروز چنان کردم که هر چه امر کنی بشود. مثلاً ملاحظه کن این چه مقام و سلطنتی است، و این چه قدرتی است الهی که اراده او مظهر اراده الله می‌شود. معدومات را لباس وجود دهد. از تمام جنات جسمانی این قدرت و نفوذ اراده بهتر و بالاتر است و معلوم است این مرقومه عبث و جزاف رقم نشود. کسی که اراده‌اش تابع شهوات حیوانی باشد و عزمش مرده و خمود باشد به این مقام نرسد» (تبیان، دفتر هیجدهم، ص ۱۹۱).

قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب

جوانان با برخورداری از انرژی سرشار و قدرت اراده، امکان مناسبی برای تصمیم‌گیری، اعمال اختیار و انتخاب پیدا می‌کنند. آنچه در این میان اهمیت دارد، این است که جوانان با کمک والدین و مربیان و تجارب مطالعاتی خود، زمینه تصمیم‌گیری درست و سازنده را ایجاد کنند و هیچ‌گاه خود را در موقعیت بلا تکلیفی قرار ندهند تا دچار هدر رفتن امکاناتشان شود. یکی از وجوه تمایز افراد موفق از افراد غیر موفق، قدرت تصمیم‌گیری صحیح آن‌ها در موقعیت‌های عملی و اجرایی و به قول حضرت آیه الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، قدرت اقدام و هراس نداشتن از انجام کارهای بزرگ است (روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۱۰/۲۰).
روش حضرت امام (علیه السلام) در مواقع و مواضع مختلف چنان حکایت از قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب آگاهانه ایشان می‌کند که در موارد مقتضی با اتکال به خداوند متعال و قدرت نفسانی، با قاطعیت تمام، اقدام به تصمیم‌گیری و اجرای آن در مسایل مختلف می‌نمودند. چنان‌که ایشان در جریان دو تصمیم سرنوشت ساز مراجعت از پاریس و لغو حکومت نظامی تهران در بهمن ۱۳۵۷، مقدمات پیروزی بزرگ، قاطع و نهایی انقلاب اسلامی را به وجود آوردند.

فرصت کافی

فرصت کافی یکی از امتیازات دوره جوانی است. جوانان با بهره‌مندی از امکانات و ظرفیت‌های وجودی خدادادی و فراغت از بسیاری از مشغله‌های ذهنی و زندگی، موقعیت خوبی برای برنامه ریزی، آمادگی و تجهیز خود برای تمرکز و تلاش جهت دستیابی به اهداف بلند و تحقق آرزوهای خویش دارند. در این راستا، والدین و مربیان می‌توانند با تبیین جایگاه و شرایط مغتنم جوانان از طریق ترسیم آینده درخشان مادی و معنوی برای آنان، در صورت بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها و نیز مواجهه با ناکامی‌ها و عدم موفقیت در صورت بی‌احتیایی و مغتنم نشمردن مجال جوانی، آن‌ها را ترغیب به استفاده بهتر از این دوره بی‌همتا نمایند. امام (علیه السلام) دوره نوجوانی را غنیمتی در اختیار جوانان می‌داند که باید اساسی‌ترین اقدامات زندگی یعنی تربیت و تهذیب نفس و غلبه بر محدودیت‌های ناشی از آن در این برهه زمانی انجام

شود؛ زیرا به عقیده همه صاحب نظران، شخص به هر میزان که بر خود مسلط شود بر جهان تسلط می‌یابد و می‌تواند سعادت دنیا و آخرت را برای خویش تدارک ببیند:

«هان ای عزیز، از خواب غفلت بیدار شو، از غفلت تنبه پیدا کن و دامن همت به کمر زن. تا وقت است فرصت را غنیمت بشمار و تا عمر باقی است و قوای تو در تحت تصرف تو است و جوانی برقرار است و اخلاق فاسده بر تو غالب نشده و ملکات ردّ بر تو چیره نگردیده، چاره‌ای کن و دویابی برای رفع اخلاق فاسده و قبیحه پیداکن و راهی برای اطفای نائره شهوت و غضب پیدا نما» (تبیان، دفتر شانزدهم، ص ۹).

نشاط و سرزندگی

شادابی، نشاط، سرزندگی، تحرک و شور و هیجان از ویژگی‌های دوران جوانی است. شخصیت پویای جوان از عوامل توقف، سکون و ایستایی یعنی خمودی، افسردگی، کسالت، خستگی و بی‌حوصلگی و تنبلی به دور است. از این رو، تعلیم و تربیتی برای جوانان مؤثر و سازنده است که به نحوی تدارک و سازماندهی شود که محیطی زنده، شاداب، پرتحرک، هیجان‌انگیز و نشاط آور را برای جوانان به وجود آورد و جوانان را در تصمیم‌گیری‌های تربیتی و اجرای آن‌ها به مشارکت فعال و آگاهانه وادارد.

جوانان و والدین و مربیان، باید همواره به این برهه حساس، سرنوشت ساز و در عین حال زودگذر توجه کامل داشته باشند و آن را غنیمتی بزرگ بشمارند و به قول امام (علیه السلام) تا جوانی و نشاط آن باقی است به وظایف انسانی خود که همانا خودسازی معنوی و خودشکوفایی جامع دنیوی و اخروی است، پردازند؛ چرا که در غیر این صورت، زمان از کف می‌رود و حسرتی ماندنی برای فرد باقی می‌گذارد:

«شیخ جلیل ما و عارف بزرگوار، آقای شاه آبادی، روحی فدا، فرمودند تا قوای جوانی و نشاط آن باقی است بهتر می‌توان قیام کرد در مقابل مفسد اخلاقی و خوب تر می‌توان وظایف انسانی را انجام داد. مگذارید این قوا از دست برود و روزگار پیری پیش آید که موفق شدن در آن حال مشکل است» (همان).

شور و شوق برای دستیابی به هدف

برای رسیدن به هدف، علاقه صرف کافی نیست، زیرا افراد زیادی علاقه‌مندند مراتب کمالات اخلاقی و معنوی، علمی و تحقیقی و مادی و اقتصادی را طی نمایند و از محاسن و مزایای آن‌ها بهره‌مند شوند. این آرزو در جوانان بیشتر از دیگران است. ابراز علاقه و داشتن آرزو، شرط لازم نیل به مقاصد است، ولی شرط کافی نیست. برای رسیدن به اهداف و آرزوها، باید علاقه و تمایل را به نهایت شور و شوق که موجد انگیزه برای انجام کار و تلاش بیشتر، پشتکار و تمرکز

در جهت دستیابی به هدف با ایجاد توان عمل بالاتر است رساند. خوشبختانه چنین استعداد و روحیه‌ای در جوانان به حدّ وفور وجود دارد و باید جهت و زمینه شکوفایی آن را شناسایی و تقویت نمود و موجبات استفاده از ظرفیت‌های وجودی بیکران و خدادادی جوانان را فراهم کرد. علاوه بر آن، باید توجه جوانان را معطوف به گزینش هدف‌هایی صریح و روشن نمود و از انتخاب مقاصد کلی و مبهم پرهیز داد تا در پرتو هدف‌های مشخص و تعریف و تحدید شده، آنها بتوانند اقدام به برنامه ریزی اساسی برای رسیدن به هدف‌هایشان نمایند و از انتخاب هدف‌های کلی و نامشخص، که قابلیت برنامه ریزی ندارند، اجتناب کنند.

امام (علیه السلام) با توجه به این ویژگی جوانان، از آنان می‌خواهد تا قدرت جوانی و شور و شوق آن پابرجاست کوشش کنند و وجود خود را تبدیل به ذخیره‌ای از کمالات عالی انسانی برای تأمین و تدارک دنیا و آخرت آبرومند و سرفراز بنمایند و واضح است که دستیابی به چنین هدفی، جز در سایه غلبه بر خود از طریق غلبه بر هوای نفس خویش میسر نیست: «از حالا که جوان هستید و هوای جوانی محفوظ است جدیت کنید به اینکه هوای نفس را از نفس خودتان خارج کنید، همه گرفتاری‌ها روی همین هوای نفس است» (همان، ۲۲).

بنابراین، والدین، مربیان و دست‌اندرکاران تربیتی باید کوشش کنند ضمن آشنا کردن جوانان با اهمیت این دوره و قابلیت‌ها و امکانات آن، در جهت هدف‌گذاری و برنامه ریزی برای بهسازی و نیل به کمالات مادی و معنوی و امیدوار کردن آنان به آینده‌ای روشن و امید بخش، زمینه تجهیز جوانان به صلاحیت‌ها و کفایت‌های لازم را از طریق کشف و نقد قابلیت و توانمندی‌های آنان فراهم سازند.

توان غلبه بر عادت محدودکننده و غیر مؤثر و طاعات فریضی

جوانان با داشتن توانایی‌ها و برخورداری از عزم و اراده محکم و نیز عدم رسوخ عادات در آنها، راحت‌تر می‌توانند خلق و خو و عادات و رفتار خود را در جهت مطلوب تغییر دهند و عواملی را که موجب تباهی معنوی، فساد اخلاقی و رکود و عقب ماندگی مادی آنان می‌شود و آنها را در دستیابی به هدف‌های ارزشمند و متعالی محدود می‌کند شناسایی نموده، تلاش نمایند با تقویت عادات مؤثر و مطلوب، راه رشد و ترقی را به روی خود بگشایند و خود را به قله‌های رفیع سعادت و موفقیت برسانند.

جوانان سرشار از قدرت و انرژی و توانایی تسلط بر خویشتن هستند. امام (علیه السلام) در راستای تحقق خودشکوفایی جوانان، به ویژه رشد و بالندگی معنوی آنان، بر وجود توانایی غلبه بر عادات و ملکات رذیله تأکید می‌کند و می‌فرماید: «ای برادر تا عمر و جوانی و قوت و اختیار باقی است، اصلاح نفس کن» (همان، ص ۹). ایشان درباره سهل الوصول بودن ملکات انسانی و اسباب ترقی برای رسیدن به رشد معنوی از طریق غلبه بر عادت‌ها و رفتارهای نامطلوب و توبه

و بازگشت به درگاه ربوبی، می‌فرماید: «بهار توبه ایام جوانی است که بارگناهان کمتر و کدورت قلبی و ظلمت باطنی ناقص‌تر و شرایط توبه سهل‌تر و آسان‌تر است... پس ای عزیز! هرچه زودتر دامن (همت) به کمر زن و عزم را محکم و اراده را قوی کن، و از گناهان، تا در سن جوانی هستی یا در حیات دنیایی می‌باشی، توبه کن» (همان، ص ۱۰). ایشان به صراحت به جوانان توصیه می‌فرماید که: «شما اکنون جوانید، نیروی جوانی دارید، به قوای خود مسلط باشید و هنوز ضعف جسمی بر شما چیره نشده است. اگر به فکر تزکیه و ساختن خویش نباشید، هنگام پیری که ضعف و سستی، رخوت، سردی بر جسم و جان شما چیره شد و نیروی اراده، تصمیم و مقاومت را از دست دادید و بارگناه معصیت قلب را سیاه‌تر ساخت، چگونه می‌توانید خود را بسازید و مهذب کنید» (همان، ص ۱۵).

بنابراین والدین و مربیان تربیتی و دست‌اندرکاران پرورشی، باید قدر این دوره تعیین‌کننده زندگی جوانان را بدانند و به جوانان نیز شناسانند و برای ایجاد زمینه و شرایط رشد و توسعه همه‌جانبه شخصیت آنان، به ویژه در بعد خصلت‌های دینی و اخلاقی، حداکثر تلاش خود را با استفاده از دستاوردهای علمی و تجربه شده به عمل آورند.

وظایف جوانان نسبت به خود

تغییر و دگرگونی رفتار امری است که در درون فرد اتفاق می‌افتد و مسئولیت آن نیز متوجه خود اوست. فرد تا خود تصمیم به تغییر در عادات، احساسات، افکار و عملکرد خویش نگیرد، هیچ‌کس نمی‌تواند او را به دگرگونی درونی و پایدار در رفتار و اداریش وادار نماید.

از این رو، این جوانان هستند که باید آینده خود را بسازند و مسئولیت نتایج رفتارشان را برعهده بگیرند. بنابراین، قبل از این‌که دیگران برای آنان کاری کنند، باید خود به عنوان افراد بالغ و تصمیم‌گیر متوجه وظایف و مسئولیت‌های خویش باشند؛ وظایفی که آن‌ها را در کامیابی از زندگی فردی و اجتماعی و فتح قله‌های رفیع مادی و معنوی یاری می‌دهد.

علاوه بر این، اگر برای خود تکلیف یا رسالتی جهت اصلاح اجتماعی قابل باشیم، باز هم باید ابتدا خود را بشناسیم و اصلاح کنیم تا بتوانیم بر دیگران اثر بگذاریم و آن‌ها را اصلاح نماییم؛ به قول امام (علیه‌السلام): «هرکس از خودش باید شروع کند و عقاید و اعمالش را تطبیق با اسلام بدهد و بعد از این‌که خودش را اصلاح کرد آن وقت دنبال این باشد که دیگران را اصلاح کند و خصوصاً شما که در دبیرستان‌ها هستید و همه آن‌ها که سروکار با بچه‌ها، نوباوگان، جوانان هست» (همان، ص ۱۵). ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «هر اصلاحی نقطه اولش از خود انسان است، اگر چنانچه خود انسان تربیت نشود نمی‌تواند دیگران را تربیت کند» (مجموعه مقالات کنگره بررسی...، ص ۶۳). برای این‌که بتوانیم خود را اصلاح کنیم، نخست باید خود را بشناسیم و برای خودشناسی باید با ابعاد مختلف شخصیت خود آشنا شویم. در این جا به برخی عوامل دخیل در

خودشناسی به صورت فهرست وار اشاره می‌کنیم.

خودشناسی

تلاش برای خودشناسی، منوط به آگاهی نسبت به عواملی از این قبیل است: توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و امکانات وجودی، اهمیت و ارزش فردی، تفاوت‌ها و تشابه‌ها، استعدادها و قابلیت‌ها، جایگاه و موقعیت خود در گروه و شأنیت و منزلت اجتماعی، نظام فکری و بنیان‌های اعتقادی، تصورات مثبت و منفی از خویش، آرزوها، احساسات، آداب، رسوم و...

خداشناسی

پس از شناخت خویشتن، تعیین موقعیت فرد در مجموعه جهان هستی و جایگاه او در عالم کائنات مهم است. جوان باید تلاش کند اعتقاد تثبیت شده‌ای نسبت به جایگاه خویش در جهان، با پاسخ‌گویی به سؤالات بنیادین: از کجا آمده‌ام؟ در کجا زندگی می‌کنم؟ به کجا خواهم رفت؟ هدف از زندگی چیست؟ ارزش‌های اساسی آن کدام است؟ و... کسب کند و برای دریافت آگاهانه فلسفه حیات و معنای زندگی، کوشش نماید و در این مسیر به حقیقت دست یافته، و جایگاه واقعی خود را در نظام هستی بشناسد.

اگر جوان به چنین معرفتی دست یابد، در واقع، وجودش را به قدرتی بیکران و لایزال پیوند زده و قطره وجود او به اقیانوسی لایتناهی تبدیل می‌شود؛ به قول حضرت امام (علیه السلام) دیگر همه چیزش رنگ خدایی می‌گیرد و همه چیز را از آن خدا می‌داند: «انسان اگر چنانچه هر چه دارد بفهمد از خداست، اگر زندگی دارد، خدا به او داده است و اگر اولاد دارد خدا به او عطا کرده است و همه چیزش را خدای تبارک و تعالی عطا فرموده است... و ما از خدا هستیم و به سوی او رجوع می‌کنیم» (همان، ص ۱۸۵).

تعیین هدف‌های ویژه زندگی

پس از روشن شدن اهداف غایی، موضوع دیگری که جوانان باید به آن توجه کافی داشته باشند، تعیین هدف‌های ویژه و شخصی به صورتی روشن و به دور از ابهام در زمینه‌های مختلف زندگی است. این گونه هدف‌ها باید واضح و صریح باشند و قابلیت دسترسی داشته باشند و بتوان برای نیل به آن‌ها برنامه ریزی کرد و معیارهای مشخصی برای میزان دوری و نزدیکی و نیز وصول و عدم وصول به آن‌ها در نظر گرفت. اگر این هدف‌ها بزرگ و دامنه دار باشند، باید آن‌ها را به هدف‌های جزئی‌تر تبدیل کرد و در صورت نیاز، آن‌ها را به صورت گام‌ها و مراحل کوچک‌تر و قابل انجام درآورد تا در یک فرآیند تکاملی بتوان اقدام به تحقق هر یک از آن‌ها و رسیدن به هدف نهایی نمود. حضرت امام (علیه السلام) هدف اصلی خود را برقراری نظام اسلامی تعیین کرده بودند

و برای رسیدن به آن، هدف‌های مرحله‌ای و مقطعی را در نظر گرفتند و با دستیابی به هر یک از آن‌ها، گامی برای دسترسی به هدف نهایی و برپایی جمهوری اسلامی برداشتند.

برنامه ریزی

برنامه ریزی در معنای عام خود به معنی هدف‌گذاری، بررسی وضعیت موجود، پیش‌بینی و ارزیابی امکانات، و ارسی شقوق مختلف راه‌ها و راهبردها و انتخاب رویکرد متناسب از بین آن‌ها برای وصول به هدف است؛ اموری که برای داشتن برنامه، نظم و قاعده جهت نیل به هر هدف ضروری است؛ در غیر این صورت، فرد مواجه با اتلاف وقت، هدرروی فرصت‌ها و امکانات می‌شود و سرانجام از دستیابی به اهداف باز می‌ماند.

در دنیای پیچیده امروز، بدون داشتن برنامه مشخص هرگز نمی‌توان مسیر رشد و ترقی مادی و معنوی را طی کرد و به مدارج عالی دنیوی و اخروی رسید. به همین دلیل، اهمیت نظم و انضباط و برنامه ریزی از نظر امام(علیه السلام) چندین مهم است که عدم اصلاح خویش و نداشتن نظم و انضباط در زندگی را مساوی با نابودی فرد می‌داند: «اگر خود را اصلاح نکنید، مجهز نگردید، نظم و انضباط در امور دینی و زندگی خود حکم فرما نسازید، در آتیه خدای نخواستہ محکوم به فنا خواهید بود» (تبیان، دفتر هیجدهم، ص ۱۱) و خود ایشان نیز عملاً در زندگی فردی و اجتماعی سخت‌مقید به نظم و انضباط بودند، تا جای که گفته شده: «در بین وسایل شخصی امام فکر نمی‌کنم که چیزی بیشتر از ساعت مورد علاقه ایشان بوده باشد. یک ساعت کوچک جیبی داشتند که غالباً توی مشتشان بود و امام برنامه ریزی‌هایشان را که از پیش تنظیم شده بودند، با آن تنظیم می‌کردند. مطالعه، کار، پیاده روی، حضور در جمع خانواده‌ها، غذا خوردن، رفت و آمد، عبادت، تدریس، گوش دادن به اخبار رادیو، دیدن تلویزیون... همه این‌ها را طبق برنامه او از روی ساعت انجام می‌دادند» (مجموعه مقالات کنگره بررسی...، ص ۵۵۲) و یا نقل شده است که: «روزی در مسجد قم خطاب به شاگردانی که به درس ایشان می‌آیند، می‌فرمایند «من به کسی نگفتم و نمی‌گویم که به درس من بیایید ولی اگر می‌آید باید منظم باشد، شما اگر وقت شناس و منظم باشد با احتساب فاصله منزل تا این‌جا، طوری حرکت می‌کنید که تمامتان جلو درب ورودی مسجد به هم برسید» (همان).

کار و تلاش

تلاش و کوشش، سخت‌کوشی و همت و پشتکار، واژگان مختلف ولی مرتبطی هستند که تشکیل‌دهنده توان عمل فردی هستند. هر قدر توان عمل افراد بیشتر باشد، میزان موفقیت آن‌ها در امور مختلف بیشتر می‌شود. جوانان با برخوردارگی از اوج قدرت و نشاط جوانی، به خوبی می‌توانند با استفاده از این عوامل، توفیق خود را در زمینه‌های مادی و معنوی و دنیوی و اخروی

تضمین نمایند و به مقاصد خود دست یابند. امام (علیه السلام) یکی از نمونه‌های همت و تلاش و سخت کوشی بودند؛ تا آن‌جا که در سال‌های ۴۳-۱۳۴۲ که اوج نهضت در آغاز انقلاب است، روزی به امام (علیه السلام) گفته می‌شود: «آقا جان، بعضی‌ها گلابه می‌کنند که چرا شما... نامه‌ها و طومارهایی که برایتان می‌فرستند، دیر جواب می‌دهید. ایشان می‌فرمایند فلانی شما بهتر می‌دانید که من برای این نهضت چه قدر کار می‌کنم، چنان‌که در شبانه روز بیش از سه ساعت نمی‌خوابم. البته اگر ممکن بود که با کمتر از این مقدار هم خود را سرپا نگه دارم، چنین می‌کردم» (همان، ص ۳۹۰).

پیروی از الگوی شایسته

شناخت الگوهای شایسته و موفق و پیروی از آن‌ها، یکی از راه‌هایی است که جوانان می‌توانند از تجارب الگوها به شکل موثری استفاده کنند. برای بهره‌گیری از این روش، ابتدا باید الگوی ایده آل و مورد نظر را شناسایی کرد و از دو جنبه ذهنی - روانی و نیز حرکتی و رفتاری، آن‌ها را مورد مطالعه و بررسی قرار داد. دسترسی به این نکته حایز اهمیت است که فرد بداند الگوی انتخابی او چگونه فکر می‌کند، چه ذهنیتی درباره مسایل مختلف دارد، دارای چه احساساتی است و محتویات ذهنی او را چه چیزهایی تشکیل می‌دهد؛ سپس به دقت، اعمال و رفتار او را تحت نظر گیرد و آن‌گاه کوشش نماید خود را با الگوی انتخابی به لحاظ محتویات ذهنی و نیز اعمال و رفتار بیرونی الگو، کاملاً منطبق سازد. هر چقدر این انطباق بیشتر باشد، توفیقات حاصله برابری بیشتری با موفقیت‌های الگو خواهد کرد. در این مورد نیز امام (علیه السلام) نمونه‌ای متعالی در زمینه‌های مادی، معنوی، علمی و اجتماعی و... است. جوانان می‌توانند با شناخت روحیات و نحوه عملکرد امام (علیه السلام)، همان‌گونه مدارج تکامل و ترقی را طی نمایند و با پیروی درست از الگوی شایسته، اسباب سعادت دنیا و آخرت خود را به وجود آورند.

توکل به خدا

توکل به خدا و افزایش اعتماد به نفس در سایه ایمان به کمک خداوند و باور به توانایی‌های خویش از طریق ایجاد توان عمل روز افزون، به جوانان قدرتی می‌بخشد که هیچ مشکل و مانعی قادر به سد نمودن راه پیشرفت و ترقی مادی و معنوی آنان نخواهد شد. جوانان در پرتو ایمان به خدا و تقویت اراده و اقدامات جدی می‌توانند به آرزوهای والای خود جامه عمل ببوشانند و آن‌ها را عینیت بخشند و شاهد وقوع علمی و خارجی آن‌ها باشند. امام (علیه السلام) در این باره اطمینان می‌دهد که اگر به خدا توکل کنید خداوند امور شما را اصلاح می‌کند؛ و اتکال به خدا بکنید، اطمینان داشته باشید که با اتکال به خدا تمام کارهای شما اصلاح می‌شود (تبیان، دفتر هیجدهم، ص ۱۸۱).

در همین راستا امام (علیه السلام)، انجام هیچ کار بزرگی را خارج از اراده انسان نمی‌داند: «از حجم کار زیاد نترسید که کار هم هر قدر زیاد باشد در مقابل اراده انسان ناچیز است و اگر انسان بخواهد می‌تواند همه کارهای عظیم را با حجم هر قدر هم زیاد به انجام رساند» (مجموعه مقالات کنگره بررسی...، ص ۴۷).

خطر پذیری

جوانان باید قدرت خطرپذیری داشته باشند و از ترس‌های موهوم و خیالی اجتناب کنند، با مشکلات مواجه شوند و خود را درگیر آن‌ها سازند، از اقدام و مبادرت به کارها و تصمیمات بزرگ نهراسند و مطمئن باشند که اگر با برنامه ریزی و آگاهی همراه با عزم و اراده کافی نسبت به امور مختلف اقدام نمایند، موفق خواهند شد. امام (علیه السلام) عملاً چنین کرد و نتایج درخشانی نیز به دست آورد. نمونه بارز اقدام امام (علیه السلام)، برپایی نظام جمهوری اسلامی است که در ابتدا امام (علیه السلام) به تنهایی آن را خواست، برای آن کوشش کرد و تحمل زحمت نمود و سرانجام به خواست خویش جامه عمل پوشاند و نظام جمهوری اسلامی ایران را برپا کرد.

کسب علم و دانش

امروزه کسب علم و دانش نه تنها به عنوان یک فضیلت و نشانه برتری، که به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای کلیه افراد، به خصوص جوانان، به شمار می‌آید. میزان توانایی افراد به میزان دانش، مهارت و اطلاعات آن‌ها بستگی دارد. کسی که از دانش و معلومات بیشتری برخوردار است، فرصت بیشتری برای احراز موقعیت‌های بهتر اجتماعی و اقتصادی دارد. از این رو، جوانان برای توانمندی خود و کشورشان باید به سرمایه علمی مجهز شوند، توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را افزایش دهند و خود را برای یک جهاد بزرگ علمی - فرهنگی آماده نموده، سفارش حضرت امام (علیه السلام) را همیشه نصب العین خود قرار دهند که: «من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گل‌های معطر و نوشکفته جهان اسلام سفارش می‌کنم که قدر و قیمت شیرین زندگی خود را بدانید و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید» (همان، ص ۴۰۶).

وظایف دیگران نسبت به جوانان

همان طور که در مرحله نخست، جوانان نسبت به خود وظایفی دارند، دولت، مردم و جامعه به ویژه والدین و مربیان نیز در قبال آن‌ها وظایفی دارند که باید به انجام رسانند. بخشی از این وظایف، مربوط به تهیه امکانات و تدارکات مادی و بخشی دیگر مربوط به آمادگی‌های ذهنی و شناختی و نیز دل‌بستگی‌های عاطفی نسبت به مسایل مختلف است. ما در این جا پیش‌تر به بخش دوم می‌پردازیم.

شناخت جووانان

شناخت جووانان از ابعاد گوناگون به ما کمک می‌کند تا هر چه بیشتر با احساسات، علائق، انتظارات، نیازها و الگوهای رفتاری آنان آشنا شویم و بهتر و بیشتر بتوانیم شرایط رشد همه جانبه و متعادل شخصیت آنان را فراهم کنیم. اگر متولیان تربیتی، اعم از والدین، مربیان، معلمان و سایر عوامل موثر تربیتی، درک درستی از ویژگی‌ها و نیازهای جسمانی و خصوصیات روانی، نظام انگیزش عاطفی، خلق و احساسی و به طور کلی خصیصه‌های شخصیتی جووانان داشته باشند، به صورت مؤثرتری می‌توانند اقدام به پیش‌بینی، نظارت و هدایت رفتار آنان نمایند. اگر دست اندرکاران تربیتی بدانند جووانان به چه چیزهایی علاقه دارند، احساسات آنان در امور مختلف چیست و درباره مسایل گوناگون چگونه می‌اندیشند و مبنای ترجیحات آنان کدام است و... قادر خواهند شد میزان اثرگذاری خود را افزایش داده و نقش بیشتری در کمک به جووانان برای رشد و پرورش سالم شخصیت آنان و نیز جلوگیری جووانان از مبادرت به اعمال نسنجیده، بزهکاری‌ها، انحرافات و خطرات احتمالی ایفا نمایند.*

راهنمایی و هدایت غیرآمرانه

والدین و مربیان برای بازداشتن جووانان از کج روی و هدایت آنان به امور سازنده و مطلوب، باید از امر و نهی مستقیم آنان پرهیز نمایند و سعی کنند اطلاعات، تجارب، آگاهی‌ها و دانش لازم را در اختیار جووانان قرار دهند و از طریق آشکارسازی و نمایاندن تبعات و نتایج تصمیمات و اقداماتشان، آن‌ها را در اتخاذ راه درست کمک و هدایت نمایند و از تحمیل نظرات خود و دخالت آمرانه در مسایل آنان خودداری کنند.

احترام به جووانان

احترام به فردیت و تشخص طلبی جووانان و سهیم کردن آنان در تصمیم‌گیری‌ها و مشورت با ایشان در امور مختلف، حس اعتماد به نفس را در آنان تقویت می‌کند و موجب عزت نفس بیشتر در آنان می‌شود و در نتیجه، آنان قابلیت و کارایی بالاتری از خود بروز داده و به سبب مقبولیت اجتماعی و در نتیجه پذیرش ملاک‌ها و میزان‌های رایج آن، از ارتکاب بسیاری از بزهکاری‌ها و کج روی‌ها، خودداری می‌کنند.

امیدبخشی به جووانان

باید به جووانان امید داد و آن‌ها را نسبت به توانایی‌ها و استعدادها، کفایت‌ها و قابلیت‌هایشان

* در همین مقاله، برای شناخت بیشتر جووانان به بحثی تحت عنوان ویژگی‌های جووانان پرداخته شده است.

آگاه و مطمئن ساخت و راه‌های کسب موفقیت را برای آن‌ها مشخص کرد و به آن‌ها اطمینان داد در صورتی که به خدا توکل داشته باشند، اهداف خود را به صراحت بیان و روشن سازند و راه‌های صحیح و وصول به مقاصد را انتخاب نمایند و در جهت آن کوشش لازم را به عمل آورند، موفقیت‌شان حتمی و آینده روشنی در انتظار آن‌ها خواهد بود.

امید در زندگی آن اندازه مهم است که امام(علیه السلام) ناامیدی را از جنود شیطان و امید را از لشکریان رحمان می‌خواند:

«ما باید این جنود ابلیس را کنار بزنیم و امید که از جنود الله است در خودمان زنده بکنیم، به خودمان امیدوار باشیم، تکیه به اراده خودمان باشد» (همان، ص ۵۳) و در جای دیگر می‌فرماید: «هیچ وقت اصلا کلمه یأس را در ذهنتان وارد نکنید که این از جنود ابلیس است، یأس از جنود ابلیس است یعنی شیطان القاء می‌کند» (همان).

امام(علیه السلام) در همین زمینه، خطاب به گویندگان و نویسندگان می‌فرماید: «نویسنده‌های ما، گویندگان ما همه‌شان دنبال این باشند که به این ملت امید بدهند، مأیوس نکنند ملت را، بگویند توانا نیستیم، ناتوان هستیم، بگویند می‌توانیم و واقع هم همین طور است می‌توانیم، اراده باید بکنیم» (همان).

سوق دادن جوانان به امور سازنده و آماده سازی آنان برای زندگی مؤثر و مستقل

با امید بخشی به جوانان، باید آن‌ها را در جهت فعالیت‌های مثبت علمی و اجتماعی سوق داد و به قول حضرت امام(علیه السلام)، آن‌ها را برای رسیدن به اهداف بلند انقلاب و یک مبارزه عملی و عملی مجهز ساخت: «من در این جا به جوان‌های عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گل‌های معطر و نوشکفته جهان اسلام سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید» (همان، ص ۴۰۹) و نه تنها در برخورد با آن‌ها از هرگونه رفتار تند و خشونت‌آمیز پرهیز کرد، بلکه با برقراری روابط صمیمی و محبت‌آمیز و ایجاد ارتباط کلامی و تبادل عاطفی و گشودن باب بحث و گفتگو، با انتظارات، نیازها و علایق آنان آشنا شد و زمینه جذب و پذیرش ملاک‌ها مقبول اجتماعی را در آن‌ها ایجاد کرد و آن‌ها را برای ورود به زندگی مستقل و مؤثر آماده ساخت. برای تأمین این منظور، باید به انتظارات معقول و منطقی جوانان پاسخ مقتضی داد، به آن‌ها اعتماد کرد و آن‌ها را در مسایل مربوط به خود و جامعه‌شان سهیم نمود، حتی الامکان امور مربوط به آن‌ها را به خودشان واگذار کرد. مهم‌تر از همه، پذیرش مثبت و بی قید و شرط جوانان و پرهیز از دسته‌بندی‌های تصنعی و غیر واقعی است تا جوانان باور کنند که تعاریف و تمجیدها امور ظاهری و برای گول زدن و بهره بردن از آنان نیست، بلکه اراده‌ای جدی برای توجه به آن‌ها و رفع مسایل و مشکلات وجود دارد. در این میان، درک مسایل

و مشکلات مذهبی، اخلاقی و اجتماعی و تلاش برای پاسخ‌گویی درست و قانع‌کننده به آن‌ها، در کنار توجه و تأمین تفریح، گردش و سرگرمی جوانان از اهمیت فراوانی برخوردار است.

تأمین امکانات و ملزومات مورد نیاز

جوانان دارای نیازهای زیاد و متنوعی هستند که برای پاسخ‌گویی به آن‌ها، علاوه بر تدارک آگاهی‌ها و محتویات ذهنی سازنده، تحرک آفرین و نیروبخش، نیاز به تأمین امکانات و ملزوماتی دارند که آن‌ها را در وصول به اهدافشان یاری کند و نیازهای آن‌ها را برآورده سازد. جوانانی که علایق مربوط به تحصیل، دانش‌اندوزی و هنرآموزی و طی کردن مدارج علمی دارند، باید امکانات متناسبی از قبیل امکان ورود به چرخه آموزش عالی، اساتید مجرب، منابع و محتواها و وسایل و مواد آموزشی، آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های مجهز و... در اختیارشان گذاشته شود. امام خمینی(ره)، در این باره می‌فرماید: «من به همه مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آن‌ها را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید» (همان). برای افرادی نیز که تمایل به ورود به بازار کار و اشتغال دارند، ضمن آماده کردن آن‌ها به لحاظ دانش و مهارت‌های مورد نیاز، باید سرمایه، ابزار و وسایل و امکانات لازم برای ورود به بازار کار و اشتغال فراهم شود. امام(ره) در تأکید بر اهمیت ایجاد کار و اشتغال و تأمین مردم می‌فرماید: «این جوان [اشاره به یکی از دانشجویان] بعد از بیست سال تحصیل، کار می‌خواهد، فردا که فارغ‌التحصیل می‌شود سرگردان است، اگر معاشش فراهم نشود، نمی‌تواند دین خود را حفظ کند» (همان ن ص ۵۴۳) هم‌چنین برای کسانی که می‌خواهند در کنار سایر فعالیت‌ها و کارها به فعالیت‌های جسمانی و ورزشی هم بپردازند، باید امکانات مورد نیاز در نظر گرفته شود تا ضمن تحصیل علم و کار و تلاش، بتوانند به نیازهای مربوط به تربیت بدنی خویش بپردازند.

عوامل مؤثر بر تربیت جوانان

عوامل و متغیرهای زیادی در تربیت جوانان دخالت دارند که شمارش و کنترل همه آن‌ها در موقعیت‌های تربیتی میسر نیست. با وجود این، می‌توان برخی عوامل کلی مؤثر بر تربیت جوانان از قبیل خانواده، مدرسه، محیط اجتماعی، رادیو و تلویزیون و مطبوعات، اراده فردی و... را نام برد که نقش مهمی در تربیت جوانان دارند. آشنایی والدین و مربیان با این عوامل، موجب تصمیم‌گیری آگاهانه تربیتی می‌شود و آن‌ها را قادر می‌سازد رفتار صحیح‌تر و واقع‌بینانه‌تری در مسایل و مشکلات جوانان داشته باشند. در این جا برای آشنایی بیشتر به توضیح مختصر این عوامل می‌پردازیم.

خانواده

خانواده جایی است که کودکان در آن به دنیا می‌آیند، بزرگ می‌شوند نوجوان و جوان می‌شوند و تحت تأثیر شرایط حاکم بر آن، پرورش می‌یابند، شخصیتشان شکل می‌گیرد و سنگ بنای آن گذاشته می‌شود. از آن‌جا که سال‌های اولیه زندگی در نوع شخصیت فرد بسیار مؤثر است و معمولاً افراد این دوران را در خانه و تحت سرپرستی والدین خود می‌گذارند، محیط خانه و اعضای آن، به ویژه والدین، نقش تعیین‌کننده‌ای بر تربیت افراد دارد. کودکان رفتاری را که از اعضای خانواده سر می‌زند، احساساتی که در امور مختلف ابراز می‌شود و اعتقاداتی که بر آن‌ها تأکید می‌گردد می‌بینند، به خاطر می‌سپارند و بر اساس آن عمل می‌کنند و به تدریج جزء شخصیتشان می‌سازند. کودکان، والدین و مربیان و بزرگسالان را ملاک ارزیابی امور می‌دانند و ملاک‌ها و میزان‌های آن‌ها را معیارهای حقیقی و واقعی می‌پندارند. علاوه بر آن، همواره رفتار، تصمیمات و افکار والدین در معرض دید و مشاهده کودکان است و رفتار انطباقی آن‌ها با والدین، مورد تشویق قرار می‌گیرد. نزدیکی و مجاورت کودکان با اعضای خانواده، منجر به همانندی با آن‌ها می‌شود و مجموعه این شرایط و هم‌چنین درک محدود کودکان از اوضاع و احوال، به تشکیل بینش و بصیرتی کمک می‌کند که بر اساس آن، تقلید رفتار بزرگ‌ترها، به خصوص والدین، امری لازم و ضروری می‌نماید و پیروی از آن غیر قابل اجتناب تلقی می‌شود. این‌گونه است که امام (علیه السلام) نقش والدین به ویژه مادر را در تربیت کودکان بسیار مؤثر می‌داند و بر انجام درست آن از سوی مادران، تأکید می‌ورزد: «دامن مادر بزرگ‌ترین مدرسه‌ای است که بچه در آنجا تربیت می‌شود، آن‌چه که بچه از مادر می‌شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود، مادری یک وظیفه انسانی است، یک وظیفه الهی است، یک امر شریف است، انسان درست کردن است» (همان، ص ۱۰۶) و به همین جهت، امر رشد و پرورش کودک را بزرگ‌ترین مسئولیت و شغل می‌نامد: «این مادر که بچه در دامن او بزرگ می‌شود، بزرگ‌ترین مسئولیت را دارد و شریف‌ترین شغل را دارد. شریف‌ترین شغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه است و تحویل دادن یک انسان به جامعه» (همان). در جای دیگر، امام (علیه السلام) به اهمیت اثر خانه و خانواده و والدین بر تربیت فرزندان اشاره می‌کند و مجدداً بر نقش مهم و برتر مادران بر تربیت فرزندان تأکید می‌نماید: «خانه‌های شما باید خانه تربیت اولاد باشد... تربیت دینی، تهذیب اخلاق، توجه به سرنوشت این‌ها در عهد پدران است و در عهد مادرها، مادرها بیشتر مسئول هستند، شرافت مادری از شرافت پدری بیشتر است. تأثیر مادر هم در روحیه اطفال از تأثیر پدر بیشتر است» (همان، ص ۱۶۰).

مدرسه

مدرسه، آموزشگاه و مراکز آموزشی و پرورشی، مکان‌هایی هستند که کودکان، نوجوانان و

جووانان بیش تر وقت خود را پس از خانه و خانواده در آنجا سپری می‌کنند و به صورت سازمان یافته‌ای تحت تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند. معمولاً مراکز آموزشی خواه مراکز پیش دبستانی و خواه مدارس ابتدایی، نخستین مکان‌هایی هستند که کودکان را از محیط محدود و آشنای خانواده جدا می‌کنند و کودکان از طریق آن‌ها، پا به عرصه اجتماع و محیطی گسترده‌تر می‌گذارند، با کودکان و فرزندان طبقات مختلف اجتماعی - اقتصادی در می‌آمیزند و با عادات، رفتار، زبان، عیال و آداب جدید آشنا می‌شوند. معلم‌ان و مربیان به عنوان مراجع دانش و رفتار صحیح شناخته می‌شوند و کلام، کردار و رهنمودهای آنان به مثابه امور درست و خدشه‌ناپذیر تلقی می‌گردد و حتی در مواقعی ملاک‌های آن‌ها بر معیارهای والدین و خانواده، ترجیح داده می‌شود؛ اگر کودکان کم و بیش، هم‌چنان تحت تسلط خانواده‌ها به سر می‌برند. معلم‌ان و مربیان تلاش می‌کنند با توجه به هدف‌های از قبل پیش بینی شده، فعالیت‌ها و اقدامات آموزشی و پرورشی را به موقع اجرا گذارند و شاگردان را منطبق با انتظارات نظام آموزشی رشد و پرورش دهند. گاه نیز کودکان در تعقیب هدف‌های متنافی خانه و مدرسه و رفتارهای ناهمساز مورد انتظار، دچار تعارض و کشمکش درونی می‌شوند که حل نشدن آن، موجب بلاتکلیفی، اضطراب و آشفتگی آن‌ها می‌شود. با وجود این، از آن‌جا که تعلیم و تربیت در مراکز آموزشی به صورت سازماندهی شده، هدف دار، نظام‌مند و در دراز مدت صورت می‌گیرد و اجرای آن به عهده متخصصین و آشنایان با تعلیم و تربیت است، می‌تواند اثرات تربیتی قابل توجهی بر جای گذارد و به میزان زیادی افکار، احساسات و عملکرد فراگیران را تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را در جهت مشخصی سوق دهد. البته تداوم و عمق این تأثیرات تا زمانی است که دانش‌آموزان به ویژه جووانان، اهداف، محتوای تربیتی و الگوی رفتاری ارایه شده از سوی نظام آموزش و پرورش را، معتبر، عملی، قابل قبول، رضایت بخش و پاسخ‌گویی نیاز خویش بدانند و در آن تردید نکنند. از این رو، مسئولین و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کشور باید ویژگی‌های اجتماعی، اخلاقی، عاطفی، دینی، عقلانی و جسمانی کودکان، نوجوانان و جووانان را بشناسند و با نظام انتظارات، نیازها، تمایلات و گرایش‌ها، استعداد و توانایی‌ها، احساسات و آرزوهای آنان آشنا باشند و بر اساس آن تدابیر، تمهیدات و تدارک لازم برای تحقق اهداف متناسب با آن را در نظر گیرند. در این صورت است که انتظار می‌رود، نظام آموزشی بتواند به هدف والای خود که همان تربیت انسان‌های متعهد و متخصص است دست یابد و به قول امام (علیه السلام) به کارخانه آدم سازی تبدیل شود. امام (علیه السلام) خطاب به معلمین به عنوان عاملان تعیین کننده در نظام آموزشی می‌فرماید: «جووان‌های ما، آن‌ها که مقدرات مملکت به دست آن‌ها خواهد بود، زیر دست معلمین باید تربیت شوند، اگر تربیت صالح شدند، مملکت صالح به دست ما می‌افتد و اگر خدای نخواستہ تربیت‌های غیر الهی باشد، مملکت از دست می‌رود. معلم بیدار شو». ایشان درباره اهمیت آموزش و پرورش معتقد است پیشرفت یا عقب ماندگی هر کشور به دست فرهنگیان و معلمین

آن رقم می‌خورد و در این زمینه مسئولیت را متوجه معلمان می‌داند: «مسئول تمام مقدراتی که برای یک کشور پیش می‌آید، مسئول تمام انسان‌هایی که باید انسان بشوند، مسئول تمام جوان‌هایی که زیر دست آن‌ها باید تربیت شوند، [معلم‌ها هستند] تربیت باید بشود انسان در مکتب فرهنگیان،... مقدرات هر مملکتی دست همین‌هاست که از فرهنگ بیرون می‌آیند و پیشرفت هر کشوری و عقب ماندگی هر کشوری باز به دست معلمین است. معلم است که با ساختن خود، افراد را، کشور را پیش می‌برد و معلم است که اگر خدای نخواستہ در پیش او انحراف حاصل بشود، کشور را خراب می‌کند. معلم است که انسان‌ها را یا مهذب بار می‌آورد، متعهد بار می‌آورد و یا انگل بار می‌آورد و وابسته، همه از مدرسه‌ها بلند می‌شود، همه سعادت‌ها و همه شقاوت‌ها انگیزه‌اش از مدرسه‌هاست و کلیدش دست معلم است» (همان، ص ۳۰۵).

محیط اجتماعی

انسان موجودی اجتماعی است و نمی‌تواند جدا از اجتماع بشری به حیات معمول خویش ادامه دهد و دارای زندگی شایسته انسانی باشد.

نیازهای مختلف انسان در پرتو گروه و زندگی جمعی برآورده می‌شود و او به عنوان عضو مؤثری از جامعه، موظف به پاسخ‌گویی به نیازهای متفاوت اجتماع است. بنابراین بین فرد و جامعه، رابطه متقابل و دو جانبه وجود دارد. در جریان این رابطه هم فرد و هم جامعه تحت تأثیر یکدیگر، رفتار جمعی و فردی خود را شکل می‌دهند؛ جامعه با تأثیر پذیری از رفتار اعضا و اجزای تشکیل دهنده خویش، شخصیت و وجدان جمعی ویژه‌ای می‌یابد و شخصیت فرد نیز به میزان زیادی متأثر از نوع مناسبات، انتظارات، رویه‌ها و طرز تلقی‌های اجتماعی، شکل خاصی به خود می‌گیرد. شاهد این مدعا، به وجود آمدن گونه خاصی از نظام سلاقی، ترجیحات ارزشی، فکری و احساسی و نحوه رفتار و آرایش ظاهری افراد در برهه‌های زمانی مختلف، که درکنش و واکنشی متقابل به نوعی همگرایی، هماهنگی و یکرنگی منجر می‌شود و دوره‌های مختلف و انسان‌های همساز مربوط به هر دوره را از یکدیگر متمایز می‌سازد، است. از این رو، محیط اجتماعی یعنی مجموعه مؤلفه‌هایی که شرایط، ویژگی‌ها و مقتضیات اجتماعی را به وجود می‌آورد، بر تربیت افراد به ویژه در تربیت نوجوانان و جوانان تأثیر می‌گذارد و برای آنان شکل خاصی از رفتار را تجویز می‌کند. البته این اثرگذاری تا وقتی از حد طبیعی و متعادل خود خارج نشود، امری پذیرفته شده است، در تربیت مثبت افراد نقش به‌سزایی دارد و در جامعه‌شناسی از آن به «جامعه‌پذیری» تعبیر می‌شود که لازمه زندگی اجتماعی است و در پای‌بندی به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی آن، هیچ‌کس احساس تحمیل و اجبار نمی‌کند. در واقع، خروج از حالت طبیعی و متعادل، زمانی پدید می‌آید که ارزش‌ها و هنجارهایی که مقبولیت عام اجتماعی ندارند و در بیرون از دایره پذیرش عمومی قرار دارند، به دلایلی تلاش شود از آن‌ها به عنوان ارزش‌ها و

هنجارهای رایج اجتماعی یاد شود و به جامعه تحمیل گردند. در چنین حالتی، افراد یا در مقابل این گونه ارزش‌ها و هنجارها مقاومت می‌کنند یا مبادرت به انجام رفتار و اعمال ریاکارانه می‌نمایند و عملاً رفتارهای طبیعی، در عرصه‌های اجتماعی، جای خود را به رفتارهای مصنوعی و مبتنی بر ایفای نقش و بازیگری می‌دهد و در موقعیت‌های دیگر رفتاری متعارض با آن، از افراد بروز می‌کند. در این شرایط، افراد دچار دوگانگی شخصیت می‌شوند، اعتماد عمومی به طور وسیعی از سطح جامعه رخت بر می‌بندد و کشمکش و اضطراب و تنش و تعارض درونی بر جامعه غالب می‌شود.

از آن‌جا که جامعه به عنوان مجموعه‌ای از افراد انسانی در سرزمینی واحد و با نظام ارزشی نسبتاً یکسان و دارای رابطه‌ای متقابل تعریف می‌شود، همواره در دو سوی این کنش متقابل، افراد جامعه قرار دارند. جامعه بر افراد خود اثر می‌گذارد و افراد نیز می‌توانند در تغییر و تحول جامعه مشارکت نمایند و آن را دگرگون سازند. بدیهی است تغییر در جامعه، یا ناشی از تلاش افرادی با توانمندی‌های فوق‌العاده زیاد و یا ناشی از تحرک و جنبش اجتماعی، مشتمل بر آحاد وسیعی از اقشار مختلف جامعه است. ایجاد چنین موقعیت‌هایی در عرصه‌های اجتماعی، معمولاً به ندرت رخ می‌دهد؛ در حالی که تغییر افراد به وسیله جامعه که با حمایت‌های عمومی و همگانی همراه باشد، می‌تواند در غالب اوقات اتفاق افتد. از این رو، تأثیرات محیط اجتماعی بر افراد، سهل‌تر، سریع‌تر و احتمالاً پایدارتر است. به همین جهت، امام (علیه السلام) به نقش و سهم مهم اجتماع بر تربیت افراد به ویژه بر تربیت جوانان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «محیط امت اگر فاسد باشد این‌ها را می‌کشد به فساد. وقتی در یک جامعه‌ای سلامت حکمفرما باشد، افراد خود به خود سالم بار می‌آیند، که یک خانواده‌ای که همه اشخاص خوب هستند، بچه‌هایشان سالم بار می‌آیند مگر باز وارد بشوند در یک جامعه فاسد که آن‌ها فاسدشان بکنند و الاً طبعاً این طور است. بچه‌های کوچک نفسشان مستعد از برای این است که نقش بگیرد یا از طرف فساد و یا از طرف صلاح. اگر یک جامعه صالح بود، بچه‌هایشان هم صالح بار می‌آیند، اگر فاسد بود، بچه‌ها هم فاسد بار می‌آیند» (همان، ص ۵۳۴).

البته پذیرفتن این گونه تأثیرات، به معنای سلب مسئولیت کامل افراد در قبال رفتار و اعمالی که از آن‌ها سر می‌زند نیست؛ بلکه انسان موجودی فعال و دارای اراده است که می‌تواند آگاهانه تصمیم به تسلیم یا مقاومت در مقابل عوامل اثرگذار بگیرد. واضح است وقتی عوامل اجتماعی بر خلاف سیر مطلوب و جاری حرکت کنند، حرکت افراد هم سخت‌تر و وصول به مقصود مشکل‌تر خواهد بود.

رسانه‌های گروهی

امروزه رسانه‌های گروهی سیطره فراگیری بر زندگی انسان دارند و افکار، احساسات و حتی

تمایلات و نیازهای او را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

گستره سلطه رسانه‌های گروهی به حدی است که هیچ مانع و مرزی جلودار آن‌ها نیست و آن‌ها تا اعماق خانه‌ها، حضور خود را بر مردم تحمیل می‌کنند و بر عقاید، احساسات و رفتار مردم اثر می‌گذارند. رسانه‌ها در قالب‌های متنوعی چون: رادیو، تلویزیون، ویدئو، رایانه، ماهواره، اینترنت، سینما، تئاتر، فیلم، جشنواره‌های هنری - ورزشی، نوارهای صوتی و تصویری، دیسک‌ها و سی‌دی‌ها، روزنامه، مجله، کتاب، پوستر، عکس، اسلاید، تابلوها و تراکت‌های تبلیغاتی و خبری، اشیاء سه بعدی و... خودنمایی می‌کنند و هر کدام با تأثیرات متفاوت، جهان را به خانه یا دهکده‌ای کوچک تبدیل کرده‌اند. رسانه‌های جمعی از چنان توانایی جذب اثرگذاری‌ای برخوردارند که حتی بر جزئی‌ترین امور زندگی بشر مانند نحوه آرایش خانه (دکوراسیون)، ترتیب و جهت نشستن افراد، تنظیم اوقات زندگی و به سکوت واداشتن متقابل اعضای خانواده و... هم حاکم گردیده‌اند. رسانه‌ها جذابیت خود را مدیون عواملی هم چون تصاویر بدیع و کمیاب، زنده و طبیعی، خیال‌انگیز و رؤیایی و همراهی با عناصر صوتی زیبا، احساسی و دلنشین، در کنار پیام‌ها و محتواهای جدید و تازه، غیر قابل پیش‌بینی، هیجان‌انگیز، قابل درک، اقناع‌کننده، پاسخ‌گویی نیازهای مخاطب در جنبه‌های زیباشناختی، اطلاع‌رسانی و اکتشاف ناشناخته‌ها و استفاده از محتواها و پیام‌های به ظاهر ناهم‌ساز با منافع رسانه و... هستند. وجود این قابلیت‌ها، تنوع آن‌ها و دسترسی سریع، آسان و نسبتاً ارزان به رسانه‌ها و نیز حمایت آن‌ها از سوی منابع مالی، علمی و فن‌آوری و به‌کارگیری هدف‌مند، برنامه‌ریزی شده و در فرآیندی منظم و بازخوردی و اصلاح مستمر، آن‌ها را از توانایی‌های بی‌همتا برخوردار کرده است؛ طوری که، تاب و توان بسیاری از رقبیان را یابه‌کلی یا به میزان بسیار زیادی از آنان سلب نموده است.

البته این بدان معنا نیست که هر کس از این رسانه‌ها استفاده کند، می‌تواند از توانایی‌ها، امکانات و قابلیت‌های آن‌ها برای تأثیرگذاری بر عقاید، آرزوها و عملکرد مخاطبان سود جوید، بدون آنکه تصور روشنی از رسانه، پیام، پیام‌گیر، منبع پیام و سایر عوامل مربوط به آن داشته باشد. اکنون سؤال این است که: با توجه به وجود و تنوع رسانه‌ها، حضور آسان، سریع و ارزان در اعماق خانه‌ها، کشش مبهوت‌کننده و سحرانگیز آن‌ها و تأثیرات عمیق و پایدار آن‌ها، چه باید کرد؟ آیا باید آن‌ها را از صحنه زندگی کنار گذاشت، یا تدبیر دیگری اندیشید؟ طبیعی است که حذف آن‌ها از زندگی کنونی ممکن نیست. پس تنها راه چاره، جایگزینی رسانه‌های توانا و قدرتمند با بهره‌گیری از خصیصه‌های مذکور است که می‌توان به وسیله آن‌ها پای در میدان رقابت گذاشت. در غیر این صورت، چنان‌که تاکنون کم و بیش چنین بوده است، مخاطبان خود را نه تنها از دست خواهیم داد، که آن‌ها را در اختیار رسانه‌های گروهی دیگران خواهیم دید. بدیهی است احتمال رخداد این قضیه، برای نوجوانان و جوانان به دلیل ویژگی‌های روانی و شخصیتی بیشتر

از سایر اقشار است.

در راستای همین اثرگذاری شگرف است که امام (علیه السلام) با اشاره به قدرت رسانه‌ها، از مسئولین می‌خواهد که آن‌ها در راستای خیر و صلاح و پیشرفت و تعالی مادی و معنوی ملت، تجهیز کنند و به کار گیرند: «این دستگاه‌ها، تمام مطبوعات این طور است، منتها اهمیت تلویزیون بیشتر از همه است، این دستگاه‌ها، دستگاه‌های تربیتی است، باید تمام اقشار ملت با این دستگاه‌ها تربیت بشوند، یک دانشگاه عمومی است» (تبیان، دفتر هیجدهم، ص ۳۵۴). امام (علیه السلام) درباره اهمیت و فراگیری رادیو و تلویزیون می‌فرماید: «من کراراً به آقایانی که از رادیو و تلویزیون این‌جا آمدند تذکر دادم که این دستگاهی که شماها اداره می‌کنید حساس‌ترین دستگاهی است که در این کشور است. سایر رسانه‌ها از قبیل مطبوعات و اینها مؤثرند، لکن در یک قشر خاصی، اولاً تیراژشان آن قدر زیاد نیست که به همه کشور و به همه افراد برسد، ثانیاً بسیاری از افراد کشور ما هستند که سواد ندارند تا بتوانند استفاده کنند، لکن از آن طرف تا آمده است که روزنامه‌ها به دست اشخاص که دور هستند بر سرباز دو سه روزی، دو روزی طول می‌کشد. اما رادیو یک دستگاهی است که همه قشرهای ملت و همه افراد چه باسواد چه بی سواد از آن استفاده می‌کنند و رادیو و تلویزیون علاوه بر این‌که جهت سمعی دارد استفاده سمعی، استفاده بصری هم دارد و الان هم وضع طوری است که در همه دهات کشور ما، بلکه سایر کشورها هم در دهات کوچکشان هم، این رادیو و تلویزیون هست» (همان، ص ۳۵۷). امام (علیه السلام) در بیان اهمیت قلم، نشر و مطبوعات می‌فرماید: «اهمیت انتشارات، مثل خون‌هایی است که در جبهه‌ها ریخته می‌شود و مداد العلما افضل من دماء الشهداء، دماء شهدا اگر چه بسیار ارزشمند و سازنده است، لکن قلم‌ها بیشتر می‌تواند سازنده باشند و اصولاً شهدا را قلم‌ها می‌سازند و قلم‌ها هستند که شهید پرورند» (همان، ص ۳۶۱). ایشان وظیفه مطبوعات را تربیت مردم و جوانان مملکت و انعکاس آرمان‌های آن‌ها می‌داند: «مطبوعات باید مثل معلمینی باشند که مملکت را و جوانان را تربیت می‌کنند و آرمان ملت را منعکس می‌کنند» (همان، ص ۳۵۵). امام (علیه السلام) علاوه بر گوشزد کردن اهمیت و وظایف رسانه‌های گروهی، به برخی از کیفیت‌ها و اثرات آن‌ها اشاره می‌کند و در مورد خبرگزاری‌ها می‌فرماید: «آن‌چه در خبرگزاری‌ها مهم است کیفیت آن است، زیرا هر کدام که به راستی و راست‌گویی نزدیک‌تر باشد، شوق انسان را به گوش دادن بیشتر می‌کند» (همان، ص ۳۶۱) و در جای دیگر درباره مجلات چنین می‌گوید: «آنچه بیش از همه در مردم تأثیر می‌گذارد، مجله و فرم مجله است، برای آنکه مجله و نحوه ارایه آن خیلی تأثیر دارد، این خودش اگر مجله را هم نخواند، ورق زدن مجله، این هم خودش در روحیه‌اش تأثیر می‌کند» (همان، ص ۳۵۹) و در سخنی دیگر: «ان شاء الله موفق باشید که مجله تان تربیت‌کننده باشد، زیاد نوشتن نباشد، خوب نوشتن باشد» (همان).

بالاخره از دیدگاه امام خمینی (علیه السلام)، رسانه‌هایی ارزشمند و خدمت‌گزارند که موجب رشد و

تقویت نیروی انسانی شوند: «آن که از همه خدمات‌ها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد و این به عهده مطبوعات است، مجله‌ها است، رادیو و تلویزیون است، سینماها است، تأثرها است، این‌ها می‌توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند و تربیت صحیح بکنند و خدمتشان ارزشمند باشد» (همان، ص ۳۵۶).

اراده فردی

شاید نتوان تعریف روشنی از اراده و ماهیت آن ارائه داد، زیرا توافق جمعی نسبت به تعریف و حتی وجود آن وجود ندارد؛ چنان‌که برخی از روانشناسان اعتقاد به چیزی به نام اراده در انسان ندارند و رفتار انسان را یا ناشی از تأثیرات محیطی و یا سرچشمه گرفتن از بینش و بصیرتی که حاصل شناسایی عناصر و کشف روابط بین آن‌ها در یک مسئله، پدیده یا موقعیت است، می‌دانند. گروهی نیز آن را نتیجه مشترک تأثیرات بیرونی و بینش و بصیرت درونی می‌خوانند. با وجود این، می‌توان نوعی ارتباط بین اراده و گرایش به معنای تسایل به کنش برقرار نمود و هر رفتاری را مسبوق به اراده دانست. آنچه مسلم است دانستن این مطلب است که رفتار انسان صرفاً بر اساس داده‌ها و تأثیرات مبهم بیرونی شکل نمی‌گیرد، بلکه ذهن فعال انسان با دخل و تصرف در آن‌ها، به تفسیر و تأویل آن‌ها می‌پردازد و بر اساس نتایج حاصله مبادرت به انجام رفتار می‌کند. بنابراین، انسان نه صرفاً مجبور محیط و شرایط است و نه می‌تواند کاملاً خود را از مقتضیات آن آزاد سازد. به عبارت دیگر، هم انسان از محیط متأثر می‌شود و هم بر محیط اثر می‌گذارد. در این میان متفکران و اندیشمندان مختلف نسبت‌های متفاوت یا تساوی بین انسان، اراده او و قدرت تصمیم‌گیری وی از یک سو، و اثرات و شرایط و محیط از سوی دیگر برقرار می‌سازند، که در جای خود نیاز به بحث‌های مفصلی دارد. در این‌جا بدون اینکه امام (علیه السلام) را به طرفداری از نسبت خاص متعادل کنیم، می‌توان به دیدگاه ایشان، در لابه لای گفتار، اندیشه‌ها و نیز عمل نسبت به نقش مهم اراده و همت بلند و قدرت تصمیم‌گیری برای فائق شدن بر مشکلات پی برد. نمونه عینی این موضوع، غلبه اراده سترگ ایشان بر مجموعه شرایط و امکانات طاغوت و پیروزی انقلاب اسلامی با مجاهدت‌های بی‌همتا و نیز فریاد بلند برای خودسازی و غلبه بر نفس به وسیله اراده و همت عالی است: «اگر ما توجه کنیم و بیدار شویم، دنبال بیداری اراده پیش می‌آید که ما بخواهیم خودمان وسایل زندگی خودمان را فراهم کنیم» (مجموعه مقالات کنگره بررسی...، ص ۴۷). ایشان خطاب به فرزندش می‌فرماید: «چون تو نعمت جوانی داری و قدرت اراده، امید است بتوانی راهی طریق صالحان شوی» (همان، ص ۴۸) و در جای دیگر می‌گوید: «از آفات شیطانی خودداری کنید. البته در آغاز قدری مشکل است لکن با عزم و اراده و تفکر در پی آمدهای آن آسان می‌شود» (همان). بنابراین افراد به ویژه جوانان می‌توانند با اتکال به خدا و تکیه بر نیروی عظیم و قدرت شگرف اراده خویش، نه تنها بر

مشکلات غلبه کنند بلکه محیط و شرایط را نیز به نفع آرمان‌ها و آرزوهای خود دگرگون سازند و به خدمت درآورند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تعلیم و تربیت مورد نظر امام (علیه السلام) در منظومه تفسیر هدفمند از جهان و حاکمیت لاینقطع قدرت فائده و بی‌منازع الهی بر ارکان آن است. در این تبیین، انسان دارای سرشتی معنوی است و انتسابش در نشأت و رجعت به اوست و چون جانشین خدا بر روی زمین است، در مجموعه کائنات نقش محوری دارد و همه چیز در اختیار او قرار گرفته و او در اختیار خدا، اوست که اگر آن گونه که خدا خواسته است، باشد، رنگ خدایی و قدرت الهی می‌گیرد و به فرمان او همان می‌کند که او می‌تواند.

این همه، در صورتی میسر است که افراد در فرآیند تربیتی درست و کارآمدی قرار گیرند که متولیان آن، نسبت به جایگاه با اهمیت انسان به ویژه جوانان به عنوان سرمایه‌ها و ذخایر ملت، آگاه باشند و برای رشد متوازن و همه‌جانبه شخصیت آن‌ها تلاش کنند؛ رشدی که در سایه تأمین و پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی جوانان میسر می‌شود و او را در مسیر پیشرفت و تکامل مادی و معنوی قرار می‌دهد؛ جوانان می‌خواهند بدانند از کجا آمده‌اند، در کجا زندگی می‌کنند و به کجا خواهند رفت تا پاسخ چرا و چگونه زندگی کردن را از آن اخذ کنند؛ جوانان می‌خواهند به آن‌ها محبت شود و به دیگران محبت ورزند تا جوانه‌های عشق ملکوتی را که ودیعه خداوندی در وجود آنهاست پرورش دهند و بارور سازند و آن را به درختی تنومند تبدیل نمایند که سایه سار آن برگستره وسیعی از آفریده‌های الهی دامن‌گسترده و زندگی و نشاط را به ارمغان می‌آورد؛ جوانان در جستجوی محیطی امن و به دور از هرگونه دغدغه خاطر هستند تا سرزندگی و نشاط را در آن تجربه و لمس نمایند و بتوانند خیره به افق‌های پیروزی و موفقیت چشم بدوزند و فارغ از هر جنجال پیرامونی به پیش تازند و دروازه‌های ترقی و تعالی را به روی خود و جامعه‌شان بگشایند؛ جوانان نمی‌خواهند تنها باشند، زیرا به خوبی دریافته‌اند که جمع‌زاینده قدرت و پیام آور کمک خداوند برای قدرت بخشی و توان‌زایی است؛ جوانان و علاقه‌مندان کفایت خویش را در پذیرش یک تنه امور و مسئولیت‌های بزرگ به اثبات برسانند و نقش مثبت و سازنده خود را در اداره فردی و تحولات اجتماعی به همگان اعلام کنند؛ جوانان نه جویای نان که بیشتر خواهان نام و در پی قدرشناسی از صلاحیت‌های خویش‌اند، تا به دنبال آن، توانی مضاعف یابند و یکسره خود را وقف خدمت به مردم و جامعه نمایند. عزت‌مندی نیروی محرکه جوان برای کسب اعتماد به نفس و پرورش روح بزرگ و بزرگوار برای انجام کارهای بزرگ‌تر است. جوان تنها است و برای خروج از تنهایی به دنبال جفتی موافق و دمساز به آب و آتش می‌زند تا خود را کامل کند و دست در دست یکدیگر به سوی چشم اندازهای دل‌انگیز و زیبای پیروزی و ظفر و

موفقیت و کامیابی پیش تازند و جهان را یکسره سرای عشق و شور سازند و آن را مرکبی راهوار برای رسیدن به وادی عشق نهایی و ملکوتی سازند.

جوانی اوج قدرت و توانمندی و فصل پرشکوه شکوفایی گل‌های زندگانی و معدن امکانات و قابلیت‌ها، استعداد و آمادگی هاست و همه چیز برای تحول اساسی و شدنی الهی در جوان آماده است؛ قلبی سلیم که ایمان در او بشکند و به وجودش صبغه خدایی بخشد، قدرتی بی پایان که آن عمل او را به گونه‌ای وصف‌ناپذیر بالا برد که هیچ مانعی یارای مقاومت در برابر او را نداشته باشد و توان تسلط بر خویشتن که مایه سیطره بر جهان است را پیدا کند و در سایه آن قادر به انتخاب و تصمیم‌گیری آزادانه گردد. جوان صاحب فرصت طلایی دوران جوانی است که از آن نشاط و سرزندگی، تحرک و شور، هیجان و احساس می‌بارد و به کلی هر آنچه غبار کسالت و تنبلی، بی‌حوصلگی و تن‌آسایی و فرودستی و فرومایگی را می‌شوید و وجود او را به الماسی درخشنده، مقاوم و سرسخت بدل می‌سازد. جوان شور و شوق رسیدن به مقصد را فریاد می‌کند و هیچ سدی را برای وصول به آن به رسمیت نمی‌شناسد و سوط اراده خویش را بر هر چه محدودیت و بازدارندگی است می‌کوبد و عاقبت شاهد مقصود را در آغوش می‌کشد.

اما جوانان نباید به ظرفیت و توانایی خدادادی مغرور شوند آن‌ها باید بدانند بهره‌گیری از خود به خود میسر نمی‌شود، بلکه نیل به مقصود، در سایه تلاش و زحمت و تحمل رنج و محنت، البته به میزان کامیابی و ارجمندی هدف، حاصل می‌شود. در این راه، جوانان باید به خوبی خود را بشناسند تا قادر باشند خدای خویش هم بشناسند و قطره وجود خود را به اقیانوس لایتناهی الهی پیوند زنند. آن‌ها در مرحله بعد باید هدف بزرگ زندگی خود را شناسایی و تعریف نمایند و برای دسترسی به آن برنامه ریزی نمایند، تلاش و کوشش کنند و برای تسهیل طی طریق، به دانش چنگ زنند و به دنبال الگوهای موفق و شایسته باشند. در عین حال تمامی، امور خود را به خدا واگذارند و امید خود را تنها متوجه او سازند.

با وجود این، تلاش جوانان، مسئولیت ما را در قبال آنان سلب نمی‌کند. ما باید جوانان را به خوبی بشناسیم، به آن‌ها کمک و راهنمایی دوستانه کنیم، احترام بگذاریم و جوانه‌های امید را در دلشان زنده و بارور نگه داریم تا بتوانیم جوانان را به سوی هدف‌های سازنده و زندگی بخش از طریق هدایت‌ها و حمایت‌ها و تجهیز آن‌ها به امکانات قابلیت‌زا، رهنمون سازیم.

علاوه بر این، نباید از عوامل و متغیرهای مهم و زمینه ساز تربیت از قبیل خانواده، مدرسه، جامعه، رسانه‌های گروهی و... نیز غفلت کنیم و تأثیرات اساسی آن‌ها را نادیده بگیریم، بلکه باید بکوشیم این امکانات را به گونه‌ای سازماندهی و تدارک کنیم که زمینه ساز تربیت صحیح و مطلوب گردند. سرانجام نیز اراده فردی باید به خوبی تقویت و به کار گرفته شود، تا بر تحولات منتهی به تربیت مثبت اثر مطلوب بگذارد و شرایط و محیط را به نفع آن تغییر دهد.